

داخل مرزهای یک کشور: تولید ناخالص داخلی، کالاها و خدماتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود، اندازه می‌گیرد؛ صرف‌نظر از اینکه چه شهروندی آن را تولید کرده است. از این‌رو، تولید ناخالص داخلی ایران، جمع تمام تولیداتی است که شرکت‌ها و افرادی که در ایران فعالیت می‌کنند، آنها را تولید کرده‌اند؛ حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی‌ها باشد.

در یک سال: تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولید شده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است. این مقدار شامل فروش اقلام باقی مانده از سال قبل نمی‌شود؛ یعنی چیزهایی که در یک سال تولید می‌شود و در سال بعد فروخته می‌شود.

● مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند

به دلیل دشواری‌های محاسباتی برخی از اقلام تولیدی در اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شوند: **اول:** کار بدون دستمزد؛ مانند کارهایی که در خانه انجام می‌گیرد یا خدماتی که در خیریه‌ها به صورت داوطلبانه ارائه می‌شود و پولی برای آنها رد و بدل نمی‌گردد، اگرچه دارای ارزش بالایی هستند، اما در محاسبات تولید ناخالص داخلی غایب‌اند!

دوم: ارزش حاصل از خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، مبلمان یا خانه در محاسبات لحاظ نمی‌شوند. این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده‌اند، به حساب آمده‌اند. **سوم:** تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق که اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعیت بخشی به این گونه فعالیت‌ها تلقی می‌شود.

● فعالیت خارج از کلاس

تولید خالص و ناخالص!

شاید برای شما این پرسش به وجود آمده باشد که واژه ناخالص در عبارت تولید ناخالص داخلی، چیست و تفاوتش با خالص در کجاست؟ در این باره تحقیق کنید.



● محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن

برای محاسبه تولید ناخالص داخلی، مجموع ارزش کالاهای تولید شده کشور را در یک سال محاسبه می‌کنیم. همچنین اگر بخواهیم بدانیم تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل، چه میزان رشد داشته است، می‌توانیم از رابطه زیر استفاده کنیم:

$$۱۰۰ \times \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} = \text{نرخ رشد تولید}$$

مهم‌ترین دلیل برای اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی، نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان است. اما چون تولید ناخالص داخلی به واحد پولی اندازه‌گیری می‌شود، با یک مشکل مواجه هستیم: قیمت کالاهای و خدماتی که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند به‌طور مداوم در حال تغییر است. برای مثال، فرض کنید یک میلیون خودرو در ایران در سال جاری تولید شود و میانگین قیمت یک خودرو ۵۰ میلیون تومان باشد. مجموع تولیدات خودرو برای سال جاری عبارت است از:

$$\text{پس: } ۱ \text{ میلیون} \times ۵۰ \text{ میلیون تومان} = ۵۰ \text{ هزار میلیارد تومان}$$

حال اگر سال بعد قیمت متوسط خودرو به ۶۰ میلیون افزایش یابد، برآورد ۱۰ هزار میلیارد تومانی برای تغییر تولید نادرست است؛ چرا که در واقع، همان یک میلیون خودرو تولید شده است و تنها قیمت‌ها تغییر کرده است! اقتصاددانان برای حل این مشکل راه‌حلی دارند؛ قیمت‌های محاسباتی باید در سالی که به آن سال پایه گفته می‌شود، ثابت فرض شوند. به این ترتیب اثرات انحرافی تغییر قیمت بر محاسبه تولید حذف می‌شود و تولید واقعی^۱ اندازه‌گیری می‌شود.

مثال:

تولید ناخالص داخلی را برای اقتصادی با دو کالا و قیمت‌های زیر به صورت اسمی و واقعی محاسبه کنید:

سال	پیتزا		شکلات	
	قیمت (p)	مقدار (q)	قیمت (p)	مقدار (q)
۱۳۹۵	۱۰۰۰۰ تومان	۴۰۰	۲۰۰۰ تومان	۱۰۰۰
۱۳۹۶	۱۱۰۰۰ تومان	۵۰۰	۲۵۰۰ تومان	۱۱۰۰
۱۳۹۷	۱۲۰۰۰ تومان	۶۰۰	۳۰۰۰ تومان	۱۲۰۰

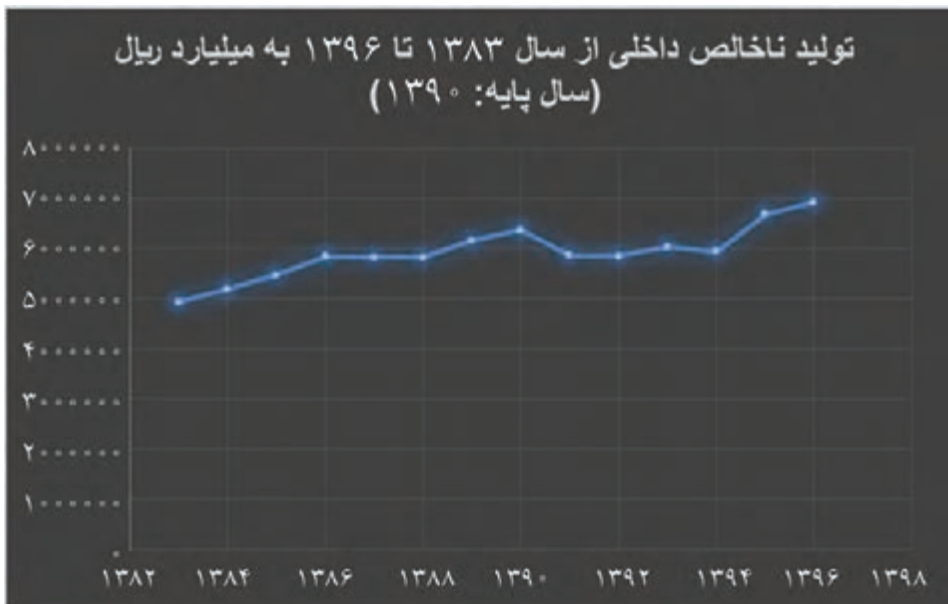
^۱ - real GDP

$\frac{37}{5}\%$	{	$1395: 1000 \times 2000 + 400 \times 10000 = 6000000$ تومان
		$1396: 1100 \times 2500 + 500 \times 11000 = 8250000$ تومان
$\frac{30}{9}\%$		$1397: 1200 \times 3000 + 600 \times 12000 = 10800000$ تومان

محاسبه GDP واقعی در هر سال با استفاده از سال ۱۳۹۵ به عنوان سال پایه:

20%	{	$1395: 1000 \times 2000 + 400 \times 10000 = 6000000$ تومان
		$1396: 1100 \times 2000 + 500 \times 10000 = 7200000$ تومان
$\frac{16}{7}\%$		$1397: 1200 \times 2000 + 600 \times 10000 = 8400000$ تومان

معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی، برای نشان دادن رشد اقتصادی کشورها استفاده می‌شود. نمودار زیر تولید ناخالص داخلی کشور ما را از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ نشان می‌دهد.



▲ منبع: داده‌های بانک مرکزی

شاخص‌های دیگر اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی

اقتصاددانان به ما می‌گویند که شاخص‌های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص، به تنهایی نمی‌تواند نشان‌دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشد. پیشرفت کشور فقط محدود به رشد کمی آن، یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی نیست؛ بلکه ابعاد دیگری نیز دارد. فرض کنید کشوری از لحاظ میزان درآمد و تولید ناخالص داخلی، وضعیت مطلوبی دارد. این به معنای آن است که کشور در زمینه رشد ثروت، پیشرفت خوبی داشته است. اما آیا می‌توان نتیجه گرفت که این کشور در توزیع ثروت تولید شده در میان مردم نیز پیشرفته است؟ اقتصاددانان معمولاً در این مورد از مثال کیک استفاده می‌کنند. آیا بزرگ‌تر شدن یک کیک، به معنای آن است که سهم افراد مختلف از آن کیک عادلانه است؟ بسیاری از کشورهایی که دارای رشد درآمد بالایی هستند، نظیر چین و آمریکا، گرفتار نابرابری درآمدی اند؛ بدین معنی که بخش بزرگی از ثروت تولید شده، تنها به گروه‌های محدودی از جامعه تعلق دارد و اکثریت جامعه از درآمد کمتری برخوردارند. برای نشان دادن وضعیت نابرابری در اقتصاد از شاخص‌های گوناگونی استفاده می‌شود که ما به یکی از آنها اشاره می‌کنیم.

شاخص دهک‌ها

یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت توزیع درآمد، شاخص «دهک»^۱ هاست. از شاخص دهک‌ها در برخی گزارش‌های اقتصادی و به منظور نشان دادن پیشرفت‌هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است، استفاده می‌شود. برای محاسبه این شاخص، مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند. در طبقه‌بندی این ده گروه، سطح درآمد از کمترین به بیشترین مدنظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، گروه اول، که ده درصد اولیه جمعیت را تشکیل می‌دهند، کمترین درصد درآمد ملی و ۱۰ درصد آخر بیشترین درصد درآمد ملی را دارند. آمارهای

مربوط به سهم این دهک‌ها در جامعه، چگونگی توزیع درآمد را نشان می‌دهد. جدول روبه‌رو بیانگر چگونگی توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱ است.

جدول وضعیت توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱

سهم دهک اول	۲/۷ درصد
سهم دهک دوم	۴ درصد
سهم دهک سوم	۵ درصد
سهم دهک چهارم	۶ درصد
سهم دهک پنجم	۷/۲ درصد
سهم دهک ششم	۸/۴ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰ درصد
سهم دهک هشتم	۱۲ درصد
سهم دهک نهم	۱۵/۷ درصد
سهم دهک دهم	۲۹ درصد
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

▲ منبع: مرکز آمار ایران

فعالیت فردی در کلاس

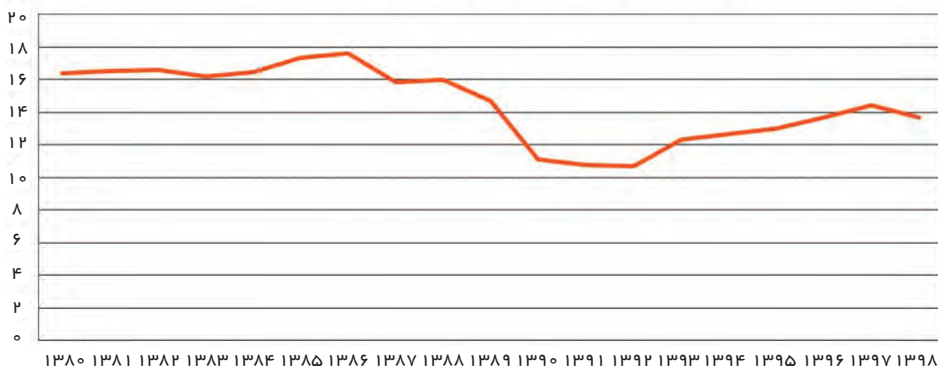


در کشوری با ده میلیون نفر جمعیت، درآمد ملی معادل ۵۰٬۰۰۰ میلیارد ریال است. اگر فرض کنیم که توزیع درآمد در این کشور دقیقاً مطابق با درصدهای مشخص شده در جدول صفحه قبل است، سهم هر دهک از درآمد ملی را تعیین کنید.

وضعیت توزیع درآمد

با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول در کشورهای مختلف، شاخصی به دست می‌آید که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد^۱ به کار می‌رود. هرچه این نسبت بیشتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب‌تر است. در جدول صفحه قبل، سهم دهک دهم از درآمد ملی حدود ده برابر سهم دهک اول است. گاهی درآمدهای مردم برای به دست آوردن شاخص دهک‌ها، قابل ثبت نیست. به همین دلیل اقتصاددانان برای به دست آوردن اختلاف درآمدی، اختلاف هزینه‌ای را محاسبه می‌کنند. در این حالت هزینه خانوار نماینده درآمد آن است. نمودار زیر نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۰، دهک دهم (ده درصد ثروتمند جامعه)، شانزده برابر دهک اول (ده درصد فقیر جامعه) درآمد داشته‌اند. این رقم برای سال ۱۳۹۰ به یازده برابر و در سال ۱۳۹۶، به چهارده برابر رسیده است. آیا می‌توانید وضعیت نابرابری درآمدی را با توجه به این نمودار، در سال‌های مختلف تحلیل کنید؟

سهم ثروتمندترین دهک به فقیرترین دهک از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸



منبع: استخراج شده از داده‌های مرکز آمار ایران

۱ - income distribution

شاخص توسعه انسانی

یکی از شاخص‌های رایج جهانی برای اندازه‌گیری پیشرفت‌های اقتصادی کشورهای گوناگون، شاخص‌های توسعه انسانی (HDI)^۱ است. مؤلفه‌هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیل و سرانه درآمد ناخالص ملی تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی است. علاوه بر این، مؤلفه‌هایی نظیر نرخ باروری، نابرابری‌های جنسیتی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت عمومی، شاخص‌های فقر و پایداری محیطی (مثل انرژی‌های تجدیدشونده و فسیلی، کاهش آلاینده‌های محیط زیست و گازهای گلخانه‌ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی)، در گزارش‌های توسعه انسانی منعکس می‌شود.

اگر معیارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی و نیز سایر شاخص‌ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص‌های مربوط به بهداشت، ترکیب کنیم، تصویر کامل‌تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور به دست می‌آوریم. شاخص توسعه انسانی (HDI) ترکیبی از این شاخص‌هاست و از این رو تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه می‌دهد. در گزارش توسعه انسانی، ایران در رتبه ۶۵ و جزو کشورهای با توسعه یافتگی بالا به شمار می‌رود.

شاخص توسعه انسانی (HDI) امید به زندگی در بدو تولد سال‌های تحصیلی مورد انتظار میانگین سال‌های تحصیلی درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) رتبه HDI					
رتبه بندی HDI	ارزش	سال	سال	سال	دولار PPP
۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۷
توسعه انسانی بسیار بالا					
۱	۰/۹۵۴	۸۲/۳	۱۸/۱	۱۲/۶	۶۸/۰۵۹
۲	۰/۹۴۶	۸۳/۶	۱۶/۲	۱۳/۴	۵۹/۳۷۵
۳	۰/۹۴۲	۸۲/۱	۱۸/۸	۱۲/۵	۵۵/۶۶۰
۴	۰/۹۳۹	۸۱/۲	۱۷/۱	۱۴/۱	۴۶/۹۴۶
۵	۰/۹۳۹	۸۴/۷	۱۶/۵	۱۴/۰	۶۰/۲۲۱

شاخص توسعه انسانی (HDI) امید به زندگی در بدو تولد سال‌های تحصیلی مورد انتظار میانگین سال‌های تحصیلی درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) رتبه HDI					
رتبه بندی HDI	ارزش	سال	سال	سال	دولار PPP
۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۸	۲۰۱۷
توسعه انسانی بالا					
۶۳	۰/۷۹۹	۷۵/۸	۱۴/۸	۱۱/۲	۱۵/۲۱۸
۶۳	۰/۷۹۹	۷۳/۴	۱۳/۰	۱۱/۰	۲۸/۴۹۷
۶۵	۰/۷۹۷	۷۶/۵	۱۴/۷	۱۰/۰	۱۸/۱۶۶
۶۶	۰/۷۹۶	۷۴/۹	۱۵/۰	۰۹/۴	۲۲/۷۲۴

▲ منبع: گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۹



تا به حال از رشد سرطانی چیزی شنیده‌اید؟ سلول‌های سرطانی سلول‌هایی هستند که رشد و تکثیر آنها، غیرمتعاد است و از این‌رو توازن و تعادل بدن را درهم می‌ریزند. اگر جامعه را به بدن انسان تشبیه کنیم، سلامت اجتماعی در گرو پیشرفت هماهنگ و متوازن همه اجزای آن است. همان‌طور که اگر برخی از اجزای بدن، ناهماهنگ با کل بدن رشد کند، ترکیبی ناهنجار و کاریکاتوری از انسان به وجود می‌آید. رشد ناهماهنگ اجزای یک جامعه نیز، رشد آن جامعه را کاریکاتوری و غیرعادلانه خواهد ساخت.

جامعه‌ای را تصور کنید که در آن امکانات و منابع آن، مثل خونی که در بدن در حال گردش است، صرفاً به افراد محدودی تعلق گیرد. به این ترتیب توزیع ثروت در کل جامعه نامتعادل می‌شود و افراد محدودی، بیشترین سهم از ثروت را نصیب خود خواهند ساخت. رشد ثروت در چنین جامعه‌ای که با اختلاف و شکاف طبقاتی روبه‌روست، ناعادلانه و کاریکاتوری است. در

این جوامع که فیلسوفان و دانشمندان ما، از جمله فارابی، آن را جامعه نذاله می‌نامند، سرمایه‌داران و سوداگرانی که فقط به فکر منافع شخصی خودشان هستند، حکومت می‌کنند و با ایجاد انواع انحصارات، فعالیت‌های غیرمولد و زدوبندهای نامشروع و زیاده‌خواهی‌ها، نمی‌گذارند جامعه رشد و پیشرفت متوازن را تجربه کند. در نظام سرمایه‌داری جهانی، زیر عنوان آزادی اقتصادی، شاهد انواع بی‌عدالتی‌ها و اختلافات طبقاتی هستیم و این نشانه رشد سرطانی و نامتوازن است.



الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

هرچند شاخص‌های توسعه انسانی در کنار شاخص‌های رشد تولید، تصویر مناسب‌تری از پیشرفت یک کشور ارائه می‌کند؛ اما آیا به نظر شما این تصویر از پیشرفت کامل است؟ آیا شاخص‌های دیگری مانند مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط‌زیستی و پیشرفت‌های فرهنگی و معنوی را نباید در ارزیابی از پیشرفت‌مان در نظر بگیریم؟ آیا به نظر شما تفاوت‌های بومی و محلی و تاریخی و فرهنگی کشورها در تعیین شاخص‌های پیشرفت دخالتی ندارد؟ آیا ارزش‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه ما با جوامع اروپایی، آمریکایی یا چینی یکسان است؟ اگر یکسان نیست، این تنوع ارزش‌ها و آداب و رسوم چگونه در شاخص‌های پیشرفت یک کشور خود را نشان می‌دهد؟ آیا عدالت اقتصادی و اجتماعی به همان اندازه برای ما اهمیت دارد که برای کشورهای سرمایه‌داری غربی؟ آیا نگاه ما به زندگی انسان‌ها با نگاه ژاپنی‌ها به زندگی انسان‌ها هیچ تفاوتی ندارد؟ رشد و توسعه بخشی از پیشرفت کشور ماست، اما همه آن نیست.

برخی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در طول سده‌های گذشته، از شاخص‌های توسعه و همچنین نهادهایی که ظاهراً با هدف توسعه اقتصادی به وجود آمده‌اند، برای تحمیل الگوها و سبک زندگی غربی استفاده کرده‌اند. در کشور ما هر چند تلاش‌هایی در جهت استقرار نظام اقتصادی اسلام صورت گرفته است؛ اما متأسفانه همچنان نهادهای سرمایه‌داری، در جهت انباشت ثروت در دست عده‌ای محدود و توزیع ناعادلانه آن فعالیت دارند. این نگرانی‌ها باعث شده است تا اندیشمندان کشورمان به فکر دستیابی به یک الگوی بومی برای پیشرفت باشند. الگویی که با شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی کشور سازگار باشد و بتواند راه روشنی را پیش پای مردم ما قرار دهد. الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، آغاز حرکتی مستمر و بلندمدت است برای دستیابی به یک الگوی پیشرفت بومی که با فرهنگ ما سازگاری داشته باشد.

برای تفکر و تمرین



۱- فرض کنید کل اقتصاد کشور ما از دو شرکت تولیدی بزرگ تشکیل شده باشد. مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت اول برابر با یک میلیارد تومان و مجموع ارزش تولیدات سال جاری شرکت دوم، برابر با ۵۰۰ میلیون تومان است. با توجه به این دو فرض به سوالات زیر پاسخ دهید:

○ تولید ناخالص داخلی اسمی کشور، برای سال جاری چقدر است؟

○ اگر سهم هر کدام از شرکت‌ها در تولید ناخالص داخلی ثابت و مطابق با نسبت تولیدات آنها برای سال جاری باشد و نیز اگر اقتصاد کشور از سال قبل تا امسال ده درصد رشد داشته باشد، ارزش اسمی تولیدات هر دو شرکت را برای سال قبل، محاسبه کنید.

۲- کدام یک از موارد زیر صرفاً نشان‌دهنده رشد اقتصادی است و کدام یک، نشان‌دهنده پیشرفت اقتصادی کشور است؟

- افزایش درآمد هر یک از کارکنان و کارگران شرکت‌ها
- نزدیک شدن سهم دهک اول از کل درآمد کشور به سهم دهک دهم
- افزایش درآمد خریداران کالاها و محصولات تولید شده
- افزایش میانگین سال‌های تحصیلی کارمندان شرکت‌ها

تحلیل کنید



- چه تفاوتی بین رشد و پیشرفت وجود دارد و برای هر کدام چه شاخص‌هایی وجود دارد؟
- از نظر شما چه رابطه‌ای میان پیشرفت اقتصادی یک کسب‌وکار و پیشرفت اقتصاد ملی وجود دارد؟

اقتصاد در خانواده

فصل چهارم



بسیار اتفاق افتاده است که افرادی با نظم و انضباط مالی توانسته‌اند زندگی آرامی را از نظر اقتصادی سپری کنند و در مقابل، کسانی ثروت‌های فراوانی را در اندک زمانی نابود کرده‌اند. برخی از مردم در طول زندگی خود، صاحب‌خانه، خودرو و دیگر لوازم ضروری زندگی می‌شوند و برخی دیگر، همیشه در وضعیت سردرگمی و چه کنم چه کنم باقی می‌مانند. در این فصل درباره تفاوت این دو سبک زندگی سخن می‌گوییم.

به‌طور کلی در اقتصاد زندگی، سه اتفاق مهم می‌افتد: دخل، حفظ و خرج! دخل یا کسب درآمد، شامل فعالیت‌هایی می‌شود که بیشتر افراد برای درآمدزایی و پول درآوردن انجام می‌دهند. با این مفهوم در درس‌های پیش آشنا شدید. خرج کردن، مربوط به حوزه برنامه‌ریزی مخارج و شیوه‌های مصرف است. حفظ و رشد درآمد، شامل فعالیت‌هایی نظیر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. دروسی که در این فصل خواهید آموخت، شما را با روش‌ها و مهارت‌های دخل و خرج و حفظ بیشتر آشنا می‌کند.



درس دوازدهم بودجه‌بندی



موقعیت

بازگشت کارگاه به دوران رونق و رشد باعث شد تا جریان مالی خانواده محمدی نیز دستخوش تغییر شود. اما این بار اتفاقات عجیبی در حال شکل‌گیری بود. داستان از نیمه اسفند ماه شروع شد که حرف از خرید عید و نونوار شدن و... پیش آمد. خبرهای مربوط به کارگاه تولیدی و بازگشت آن به دوره رونق و رشد، جنبه‌های جدیدی را در رفتار بچه‌ها شکل داده بود که هر پدر و مادری را متحیر می‌کرد.

شب ۱۵ اسفند ماه در حالی که همه اعضای خانواده سوار خودرو بودند و از مهمانی خانه پدر بزرگ برمی‌گشتند:

پدر (از روی کلافگی): ساعت یه ربع به یازده شبه و انقدر ترافیک، آخه چرا؟

مادر: شب عیده دیگه آقا، همه مشغول خرید هستن.

پدر: از الان؟

مادر: خب بله دیگه. تازه خیلیا از بهمن شروع می‌کنن!

پدر: چه عجیب واقعا! ببینم بچه‌ها شما چی نیاز دارین؟

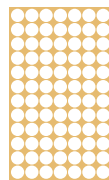
ستایش: من هیچی!

پدر: پس گوشی و کفش و لباس و این جور چیزا چی شد؟ همه‌اش یادت رفت؟

ستایش: بهش فکر نکرده بودم اصلا. یعنی فکر کرده بودم، اما پیش خودم گفتم این پول برگرده توی تولید و کارگاه بهتره.

پدر (با تعجب): چه حرفایی من می‌شنوم! فکر کنم مدیرعامل بعدی کارگاه رو از الان می‌تونم انتخاب کنم.

آقای محمدی از آینه‌نگاهی به امیرعلی انداخت که داشت بیرون را تماشا می‌کرد و پس از کمی مکث گفت:



امیرعلی خان شما چرا انقدر ساکتی؟ شما چی؟ فهرست خریدتون آماده است؟
امیرعلی: بابا شما واقعاً اعتقاد دارین که ما بزرگ شدیم یا همین طوری برای اینکه تحویلمون بگیرین از این حرفا می‌زنین؟

مادر: این الان فهرست خرید شما بود؟ کجایی مادر؟ سؤال بابارو متوجه شدی؟
امیرعلی: بله حواسم پیش شما بود!

پدر: راستش تا قبل از اینکه کارگاه اوضاعش خوب بشه، خب خیلی فکر نمی‌کردم بشه روی شما حساب کرد. اما الان البته اینو بگما بالاخره شما بچه‌های مابین ولی واقعاً نگاهم بهتون عوض شده.

امیرعلی: خب اگه این طوری، می‌شه به جای فهرست خرید یه چیز دیگه ازتون بخوام؟
پدر: خدا به خیر بگذرونه! این جوری که تو می‌گی فکر کنم من باید برم تو کار تاکسی اینترنتی و این چیز!!

امیرعلی: نه بابا، شما تاج سرین.

ستایش (با پوزخند): با این حرفت که قشنگ حرف بابارو تأیید کردی!

امیرعلی: چرا جو می‌دی خواهر؟ نه من می‌گم اگه می‌شه هر ماه به من و ستایش یه مبلغی پول توجیبی بدین. مگه ما بزرگ نشدیم؟ خب خودمون بلدیم چطوری خرج کنیم و چی بخریم.
ستایش: عجب پیشنهاد خوبی دادی، منم قبول دارم.

مادر: پول توجیبی می‌خواین چی کار؟ شما که هرچی نیاز دارین بابا بهتون می‌دن؟ بعدشم کم و کسری ندارین که!

امیرعلی: بله، مشکلی نداریم؛ ولی دلمون می‌خواد خودمون صاحب اختیار باشیم.
پدر: تو هر دفعه که راجع به موضوعات اقتصادی حرف می‌زنی، قند توی دل من آب می‌کنن. دمت گرم. خیلی باهات حال کردم پسرم.

ستایش: یعنی پیشنهاد داداشم قبوله؟

پدر: قبوله ولی به دو شرط!

امیرعلی و ستایش: چه شرطی؟

پدر: یک اینکه همه خرج ماهیانه‌تون با خودتون؛ از کرایه ماشین تا مدرسه و خرید خودکار و کتاب و... تا کفش و شلوار و هرچی که بگین.

امیرعلی: دومیش؟

پدر: دومیش اینکه از مامان پول نگیرین. منبع درآمدتون فقط همین پول ماهیانه‌ای که من بهتون می‌دم به اضافه عیدی‌ها و هدیه‌هایی که هر دفعه از دیگران می‌گیرین.

امیرعلی: من قبول، تو چی خواهر؟

ستایش: نمی‌دونم، یه خورده سخت شد!

گفت‌وگو در کلاس



- ۱- آیا تا به حال شما مسئول امور مالی خودتان شده‌اید؟
- ۲- آیا می‌توانید از پس مدیریت مالی سه ماه خانواده خود بر آیید؟
- ۳- ترجیح می‌دهید مانند بزرگ‌ترها مسئولیت داشته باشید یا اینکه هر وقت خواستید همه چیز برایتان مهیا باشد؟

نقشه راه

- در این درس می‌خواهیم دربارهٔ بودجه خانواده گفت‌وگو کنیم. در پایان این درس خواهیم توانست:
- همهٔ جریان‌های درآمدی و مخارجی را برای خانواده در نظر بگیریم؛ آنها را ثبت کنیم و با یکدیگر مقایسه کنیم.
- برای درآمدها و مخارج خود، برنامه‌ریزی کنیم.

پول‌هایی که بلعیده می‌شوند

آیا تا به حال شده با خانواده یا دوستانتان برای خرید بیرون رفته باشید و در پایان روز تعجب کرده باشید که چرا پول‌های شما ناگهان تمام شده است؟ ممکن است حتی در ابتدا مبلغ قابل توجهی هم پول همراه خود داشته باشید؛ اما شاید در پایان روز حتی پول خرید یک بستنی را هم نداشته باشید. برای پول‌های شما چه اتفاقی افتاده است؟ پول راه خود را برای خرج شدن پیدا می‌کند. کمی اینجا، کمی آنجا، ولی سرانجام خرج می‌شود. احتمالاً تعجب می‌کنید که چرا مجموع کمی اینجاها و کمی آنجاها می‌تواند همهٔ موجودی پول شما را ببلعد!



شاهد و شکر



پارسازاده‌ای را نعمت بیکران از ترکۀ عمان به دست افتاد. فسق و فجور آغاز کرد و مبذری پیشه گرفت. باری به نصیحتش گفتیم: «ای فرزند! دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛ یعنی خرج فراوان کردن مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد.»

چودخلت نیست خرج آهسته‌تر کن
که می‌گویند مَلاحان سرودی
اگر باران به کوهستان نبارد
به سالی دجله گردد خشک‌رودی

(گلستان سعدی)

[illegible]

پس از ثبت هزینه‌ها برای یک هفته، مجموع هر ستون را در زیر آن مشخص کنید. این مجموع به شما می‌گوید که چه میزان پول در هر گروه صرف می‌کنید. مجموع همهٔ مخارج را هم محاسبه کنید. از مجموع کل برای محاسبهٔ درصد صرف شده برای هر دسته استفاده کنید. مقدار هزینه‌های برنامه‌ریزی شده و برنامه‌ریزی نشده را هم محاسبه کنید.

اکنون تلاش کنید تا با توجه به اطلاعات جدول صفحه قبل، برای پرسش‌های زیر پاسخی پیدا کنید:

- برای کدام مخارج بیشتر از حد معمول هزینه کرده‌اید؟
- کدام یک از مخارج برنامه‌ریزی شده نبوده است؟ یعنی در لحظه برای شما اتفاق افتاده است؟
- اگر به گذشته برمی‌گشتید، کدام یک از هزینه‌های زیر را تغییر می‌دادید؟
- کدام یک از هزینه‌ها، تصمیم‌گیری نامناسبی بود؟ توضیح دهید.
- کدام یک از هزینه‌های برنامه‌ریزی نشده، تصمیم درستی بوده است؟ توضیح دهید.
- کدام یک از مخارج را می‌شود ساده‌تر کاهش داد؟ مخارج ثابت یا متغیر؟
- در صورتی که برای یک کار ضروری پول نیاز داشته باشید، کاهش کدام یک از مخارج برای شما آسان‌تر است؟

تمرین فردی در کلاس



نمونه‌های درآمد و مخارج افراد زیر را بخوانید و بررسی کنید که آیا این افراد با این روند بودجه می‌توانند تا پایان سال ادامه دهند یا خیر؟ در پایان بررسی، به سوالات پاسخ دهید.

نمونه اول

خانم رضایی معلم است. او به صورت سالیانه درآمدی در حدود ۳۵ میلیون تومان کسب می‌کند و مخارج سالیانه وی به شرح زیر است.

آیا خانم رضایی بیشتر از درآمد خود خرج می‌کند؟ چه میزان؟

نوع خرج	مقدار به میلیون تومان
اجاره خانه	۶/۵
خدمات رفاهی	۳
قبوض	۱/۵
غذا	۲/۲۵
حمل و نقل	۵/۵۰
بیمه	۱/۵۶
بنزین	۰/۷۷
امور خیریه	۰/۸۰
پوشاک	۰/۵۵
بازپرداخت وام	۴/۵۰
تفریحات	۲
خدمات منزل	۱/۵
سایر	۱/۶۶



نمونه دوم

محمود آقا کارمند بازنشسته است. درآمد سالیانه او ۲۵ میلیون تومان است و مخارج او نیز به شرح زیر است. آیا او بیشتر از درآمد خود خرج می‌کند؟ به چه میزان؟

نوع خرج	مقدار به میلیون تومان
اجاره خانه	۷/۲۵
خدمات رفاهی	۲/۴۰
قبوض	۱/۷۵
غذا	۲/۰۷
حمل و نقل	۳/۶۵
بیمه	۱/۴۸
بنزین	۰/۸۸
امور خیریه	۰/۸۹
پوشاک	۱/۱۵
بازپرداخت وام	۳/۰۷
تفریحات	۱/۵۰
خدمات منزل	۱/۲۵
سایر	۱/۸۵



نمونه سوم

محمد حسن دانشجوی است. البته به صورت پاره وقت هم مشغول به کار است. درآمد سالیانه او ۳۷ میلیون تومان است و مخارج او نیز به شرح صفحه بعد است. آیا او بیشتر از درآمد خود خرج می‌کند؟ به چه میزان؟



نوع خرج	مقدار به ميليون تومان
اجاره خانه	۵/۷۵
خدمات رفاهي	۲/۸۵
قبوض	۲/۲۵
غذا	۳/۷۵
حمل و نقل	۱/۲۵
بيمه	۲/۲۰
بنزين	۰/۴۷
امور خيريّه	۰/۲۰
پوشاك	۱/۸۵
بازپرداخت وام	۶/۰۷
تفريجات	۱/۶۵
خدمات منزل	۰/۷۵
ساير	۱/۵۰

با توجه به نمونه‌های گفته شده به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- کدام یک از این افراد بیشترین پس انداز را در آخر هر ماه دارند؟
- فرض کنید که خودروی هر یک از این افراد نیاز به تعمیر دارد که هزینه آن هفت میلیون تومان است. برای این خرید چه تغییراتی در بودجه هر فردی باید ایجاد شود؟
- در صورتی که فرد موردنظر برای تعمیر خودرو پس انداز خود را به میزان ۱/۷۵ میلیون تومان در هر ماه افزایش دهد، با این تغییر چه چیزی را از دست می‌دهد و چه چیزی به دست می‌آورد؟ (هزینه فرصت تعمیر خودرو چیست؟)
- چه پیشنهادهایی برای مدیریت بهتر مخارج هر یک از این افراد دارید؟
- کدام یک از این افراد بیشترین خرج را از بودجه خود دارند؟
- در صورتی که خانم رضایی تصمیم بگیرد که به یک سفر که پنج میلیون تومان هزینه دارد برود، وی چه چیزهایی را باید در نظر بگیرد؟

● مراحل بودجه‌ریزی ماهیانه

می‌توان مراحل بودجه‌بندی^۱ را در چهار مرحله زیر خلاصه کرد. کاربرد این مراحل را در زندگی روزمره خود، آزمایش کنید.

- از هر منبعی که درآمدی به دست آورید، آن درآمد را ماهیانه مشخص کنید و بنویسید.
- هزینه‌های متغیر و ثابت خود را به صورت ماهیانه فهرست کنید.
- مجموع درآمدها و هزینه‌های خود را ماهیانه بایکدیگر مقایسه کنید.
- اگر هزینه‌ها بیشتر از درآمد بود، مخارج غیرضروری را کم کنید یا فرصت‌هایی را که فراموش کردید، به نظر آورید تا درآمدتان افزایش یابد.

● فعالیت گروهی در کلاس

بازی شورای خانواده^۲



در کلاس به گروه‌های سه نفره تقسیم شوید و بازی زیر را این گونه انجام دهید که پس از ارائه هر کارت از سوی معلم، با گروه تصمیم بگیرید که آیا آن کار را انجام می‌دهید یا خیر. سپس تصمیم خود را اعلام کنید و متناسب با آن جدول زیر را پر کنید. توجه کنید که بودجه اولیه شما ۲۰۰ هزار تومان است. سطح سلامت و خوشی و رفاه هر گروه نیز در عدد ده قرار دارد. نکته دیگر اینکه در هر بار اعلام کارت از سوی معلم اگر تصمیم به عدم انجام کار بگیرید، سطح خوشی شما یک واحد کم می‌شود که باید در جدول بیاید.

برنده بازی گروهی است که بالاترین مانده را در صندوق داشته باشد، در نهایت برای تعیین برنده توجه کنید که همه مانده صندوق را به تومان تبدیل کنید.
(هر واحد رفاه = ۱۰ هزار تومان/ هر واحد سلامت = ۲۰ هزار تومان/ هر واحد خوشی = ۱۵ هزار تومان است.)

جدول محاسبات

ردیف / شماره کارت	انجام می‌دهیم	انجام نمی‌دهیم	مانده سطح سلامت	مانده سطح رفاه	مانده سطح خوشی	مانده سطح بودجه
۱						
۲						
۳						
۴						

۱-budgeting

۲- معلم محترم، این فعالیت دارای پیوست (شامل ۱۵ عدد کارت) است. همچنین این فعالیت نیازمند یک عدد تاس نیز هست.

					۵
					۶
					۷
					۸
					۹
					۱۰
					۱۱
					۱۲
					۱۳
					۱۴
					۱۵
مجموع	مانده سلامت به تومان	مانده رفاه به تومان	مانده خوشی به تومان	مانده بودجه	جمع کل

درس زندگی

تدبیر درست، مال اندک را افزایش می دهد و برنامه ریزی نادرست، مال فراوان را نابود می کند.

(امیرالمؤمنین علی علیه السلام - غرر الحکم، ص ۱۷۶)

تعیین سال خمسی در برنامه مخارج

خمس و زکات دو واجب از واجبات مالی اسلام است. هر درآمدی که به دست می آوریم، اگر بعد از یک سال از مجموع مخارج ما زیاد بیايد، به همان میزان که زیاد آمده است، مشمول خمس قرار می گیرد؛ یعنی موظفیم که ۲۰ درصد آن را به عنوان سهم امام و سهم سادات به مرجع تقلید یا نماینده او بدهیم. خمس درواقع همان مالیات اسلامی است. پرداخت خمس موجب توزیع مجدد ثروت می شود و عدالت اقتصادی را در جامعه گسترش می دهد. همچنین کسانی که توان کار و فعالیت اقتصادی ندارند، از منابع خمس استفاده می کنند تا بتوانند ادامه حیات دهند. در برنامه ریزی های اقتصادی خود حتماً توجه داشته باشید که زمانی را به عنوان آغاز سال مالیتان در نظر بگیرید. البته به صورت طبیعی، سال مالی از همان روزی که اولین درآمدها را به دست آورده اید، شروع می شود. بعد از گذشت یک سال، درآمدی را که برایتان باقی مانده است به همراه اقلام مصرفی که خریده اید ولی از آن استفاده نکرده اید، محاسبه کنید و خمس آن را پرداخت نمایید.

فعالیت خارج از کلاس



بودجه‌ها از دو بخش درآمدها و هزینه‌ها تشکیل می‌شوند، به منظور انجام یک تمرین عملی ابتدا به‌طور دقیق مشخص کنید که از چه طریقی می‌توانید پول لازم را برای تحقق برنامه‌هایتان تأمین کنید. سپس با استفاده از فهرست نیازها و خواسته‌هایی که اولویت‌بندی کرده بودید، جدول زیر را از امروز تا حدود ۳۰ روز دیگر تنظیم کنید.

جدول درآمد و هزینه‌ها

موارد درآمدها	هفته اول (به تومان)	هفته دوم (به تومان)	هفته سوم (به تومان)	هفته چهارم (به تومان)
پول توجیبی				
کار پاره وقت				
مصرفه جویی *	۱			
	۲			
	۳			
مجموع درآمد				
مخارج:				
شخصی (فردی)				
تفریحی				
تحصیلی				
رفت و آمد				
مجموع مخارج				

* لطفاً به‌صورت دقیق مشخص کنید که موارد صرفه‌جویی شامل چه چیزهایی شده است.

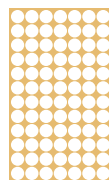
تحلیل کنید



چگونه می‌توان با ثبت درآمد و مخارج، برنامه مالی منظمی را برای زندگی شخصی و خانوادگی طراحی کرد؟



موقعیت



طی یک هفته ای که گذشت، پیشنهاد امیرعلی برای داشتن پول توجیبی تصویب شد؛ عدد آن نیز مشخص شد و حتی به اجرا نیز رسید. علاوه بر آن، عیدی آن سال نیز حدود ۱۰ روز زودتر از سال تحویل به بچه‌ها داده شد تا طبق قرار اگر به چیزی نیاز دارند، خودشان تهیه کنند. پنج‌شنبه بعد از ظهر ستایش از امیرعلی خواست تا او را برای خرید یک مانتوی جدید همراهی کند. برای همین، هر دو لباس پوشیده و آماده خرید شدند. بعد از وب‌گردی‌های متعدد ستایش، محل مناسب برای خرید مانتو پیدا شد و مسیر رسیدن به آن نیز مشخص شد و قرار شد که کرایه ماشین امیرعلی نیز به عهده ستایش باشد. پس از رسیدن به فروشگاه مورد نظر، دوقلوها مشغول بررسی لباس‌های فروشگاه بودند که یک جوان خوش تیپ جلو آمد و گفت:

سلام، من سیروان هستم. چه کمکی می‌تونم به شما بکنم؟

امیرعلی: سلام؛ ممنون. ما دنبال یه مانتوی خوب برای خواهرم می‌گردیم.

سیروان: خب، شما واقعاً خوش‌شانسید؛ چون دقیقاً روبه‌روی بهترین رگال مانتوهای ماوایسادین. ستایش: می‌شه قیمت‌هاشون رو هم بگین؟

سیروان: شما اول طرح و جنس رو ببینید خواهرم بعد سر قیمت باهم کنار میایم.

ستایش: در حالی که آستین یکی از مانتوهایی که چشمش را گرفته بود از رگال به آرامی بیرون می‌کشید رو به امیرعلی گفت: این به نظرت چطوره؟

امیرعلی که داشت با نوک انگشتانش جنس پارچه را بررسی می‌کرد، به آرامی گفت: نمی‌دونم، شما ببین طرحشو دوست داری؟ و بعد با صدایی آهسته‌تر: آخه من نمی‌دونم این جنسش خوبه یا نه. باید از خودش پرسیم!

سیروان که به دقت داشت به حرف‌های دوقلوها گوش می‌داد، شروع به حرف زدن کرد: بین دوستم، این کار، پارچه‌اش تُر که حرف نداره. بشور بپوشه! طرَحشو نگاه کن. اصلاً این رنگو ما تو هیچ کاری نداریم. من خودم برای خانومم از اینا بردم.

امیرعلی: ایرانش رو ندارین؟

سیروان: حرفایی می‌زنیا! این کار مار که! ایرانی کدومه؟

ستایش: حالا چند هست؟

سیروان: راستش این کاررو الان اگه بخوام بخرم با این اوضاع دلار، بالای ۳۰۰ تومن برام می‌افته ولی چون همین کار خرید قدیمه و تک سایز شده من صحبت می‌کنم صندوق برات ۱۹۰ بزنه. ستایش: ولی من نمی‌خوام انقدر هزینه بکنم!

سیروان: بین آبجی، نمی‌خوام قسم بخورم؛ ولی خداییش بهت خوب گفتم. تازه من اینجا فقط فروشنده‌ام نمی‌تونم بیشتر از این بهت تخفیف بدم. تا اینجا هم چون خیلی باهاتون حال کردم دارم از خودم ریش گرو می‌دارم و گر نه رئیس فروشگاه از این عدد به کسی تخفیف نمی‌ده!

امیرعلی: خب شما باهاش صحبت کن شاید کمتر هم راضی شد!

سیروان: شما اول بگو چند می‌تونی تا من بهت بگم می‌شه یا نه.

ستایش: من ۱۲۰ تومن برای این کار دارم.

سیروان: خیلی پایین گفתי آخه! فکر نمی‌کنم ولی چشم. اینم به خاطر رفاقت همین چند دقیقه‌مون.

فروشنده با صاحب مغازه در گوشه مغازه مشغول صحبت می‌شوند. آنها طوری وانمود می‌کنند که گویی درباره قیمت با هم در حال جدال هستند. فروشنده برمی‌گردد.

سیروان: بچه‌ها شرمنده، من تمام تلاش خودمو کردم اما نشد. تا ۱۵۰ هم اومد پایین؛ ولی بیشتر نه. پیشنهادمون خیلی خوبه به نظرم از دستش ندین. من مطمئنم از خریدتون راضی می‌شین.

امیرعلی: آخه ما هم پولشو نداریم و هم اینکه خارجیّه.

سیروان: ببینم شما خودت پیرهن نمی‌خوای؟

امیرعلی: چطور؟

سیروان: من برای اینکه تو راضی بشی می‌تونم یه کاری بکنم. یه پیرهنم تو بردار روی جمعشون برات یه تخفیف دیگه می‌گیرم.

امیرعلی: ولی من نمی‌خوام فعلاً برای پیرهن هزینه کنم.

سیروان: بین داداش جون، اگه تو اینو بر نداری، بالاخره یکی می‌خره؛ چون این کارمون پرفروش بوده. خب فکراتونو بکنین. من به خاطر خودتون می‌گم.

امیرعلی و ستایش (بعد از مشورت باهم): راستش جواب ما منفیه!

سیروان: هر جور که راحتین، اینجا مغازه خودتونه.

گفت‌وگو در کلاس



- ۱- به نظر شما چرا فروشنده تلاش می‌کرد که خریدار را به عنوان دوست مطرح کند؟
- ۲- شیوه‌هایی که سیروان برای متقاعد کردن دوقلوها به کار برد چه بود؟
- ۳- به نظر شما امیرعلی و ستایش، کار درستی انجام دادند؟
- ۴- شما اگر جای آنها بودید، چه می‌کردید؟ چرا؟

نقشه راه

در این درس به این موضوع می‌پردازیم که کسی که مدیرانه و هوشمندانه خرید می‌کند و قیمت‌ها و محصولات را ارزیابی می‌کند، می‌تواند با صرفه‌جویی، کالاها و خدمات باکیفیت‌تری تهیه کند. همچنین پایان این درس خواهیم توانست:

- کالاهایی را که برای خرید انتخاب می‌کنیم با داشتن معیار با یکدیگر مقایسه کنیم و هوشمندانه انتخاب کنیم؛
- برنامه بودجه‌ای خود را با برنامه خرید خود، انطباق دهیم.

مهارت خرید

فرض کنید دو فروشگاه در نزدیکی مدرسه شما وجود دارد که هر روز از آنها خوراکی می‌خرید. سایر غذاهای این دو فروشگاه هر دو با یک کیفیت مساوی هستند. فقط یکی از آنها کیک و کلوچه مخصوصش را ۵۰۰ تومان گران‌تر می‌دهد. با اینکه خرید کیک و کلوچه یک خرید بزرگ محسوب نمی‌شود و معمولاً اهمیتی به آن نمی‌دهیم، اما اگر به مدت سه سال هر روز در مدرسه کیک بخورید، با خرید کیک ارزان‌تر حدود ۴۰۰ هزار تومان صرفه‌جویی خواهید کرد!

یعنی به سادگی با داشتن یک خرید هوشمندانه در حد کیک و کلوچه، می‌توانید پول اضافی برای خرید چند سی‌دی، یک جفت کفش ورزشی یا شلوار جین یا شاید چند بازی رایانه‌ای جمع کنید. مهارت مدیریت مخارج و خرید از جمله مهارت‌هایی است که برخی افراد در سنین بزرگسالی نیز ندارند و برای کوچک‌ترین خرید بسیار تردید می‌کنند و حتی بعد از خرید هم پشیمان می‌شوند!



خرید هوشمندانه



خرید باید آگاهانه و هوشمندانه باشد؛ ولی همه خریدهای ما این گونه نخواهد بود. خریدهای ما گاهی از روی هوس است، بدون فکر و از روی احساسات آنی تصمیم به خرید می‌گیریم و البته بعد از آن هم پشیمان می‌شویم! مثل اینکه وقتی در راه

برگشت از مدرسه، چون خیلی گرسنه‌ایم با اینکه در خانه مادر برایمان غذای سالم و خوشمزه‌ای آماده کرده، نمی‌توانیم جلوی خودمان را بگیریم و خیلی زود همه پول‌های توی جیبمان را به هله هوله تبدیل می‌کنیم! پس برای خرید هوشمندانه باید چه کنیم؟ خیلی دشوار نیست؛ فقط به این نکته توجه داشته باشید که شما اکنون به‌عنوان عضوی از یک خانواده و عضو یک جامعه در حال خرید کردن هستید. اگر به فکر رونق و پیشرفت اقتصادی خود هستید، این پیشرفت اقتصادی در گرو پیشرفت خانواده و جامعه شماست. برای خرید هوشمندانه، مراقب باشید که نقش اجتماعی خود را در میدان اقتصاد فراموش نکنید و مراحل زیر را انجام دهید:

مشکل و مسئله خودتان را دقیق مشخص کنید. دقیقاً به چه چیزی نیاز دارید؟ بررسی کنید که آیا آنچه می‌خواهید، نیاز است یا خواسته و از چه راه‌هایی می‌شود آن را برطرف کرد. آیا اصلاً راهی غیر از خرید کردن هم دارد؟

مشخص کنید که به چه میزان قرار است هزینه کنید.

مشخص کنید که چه گزینه‌هایی در سطح پولی که شما می‌خواهید هزینه کنید، وجود دارد (برای این کار می‌توانید از وبسایت‌ها و فروشگاه‌های اینترنتی استفاده کنید، موارد را در لیستی یادداشت کنید.)

آن ویژگی‌هایی از کالای هدف را که بیشتر برایتان مهم است مشخص کنید، (در سه دسته ویژگی‌هایی که می‌خواهید حتماً در کالای هدف باشد، آنهایی که اگر باشد بهتر است و در نهایت آنهایی که اصلاً نمی‌خواهید باشد.)

با استفاده از جدولی که در قسمت خرید مقایسه‌ای مشخص شده است، گزینه‌ها را بررسی کنید.

انتخاب کنید و بخرید!

خرید مقایسه‌ای

منظور از خرید مقایسه‌ای^۱، فرایند بررسی قیمت‌ها و ویژگی‌های محصولات مشابه قبل از تصمیم‌گیری برای خرید است. برای کالای گران‌تر و پیچیده‌تر، نیاز بیشتری به خرید هوشمندانه وجود دارد تا گزینه‌های مختلف را قبل از انتخاب با هم مقایسه کنید. در خرید مقایسه‌ای لازم است عوامل مختلفی از قبیل تفاوت در ویژگی‌ها، اندازه‌ها، کیفیت محصول، هویت محصول، عملکرد آن، قیمت و خدمات پس از فروش و... در نظر گرفته شود. انتخاب را به گونه‌ای انجام دهید که اقتصاد شما، خانواده و جامعه، بیشترین منفعت و کمترین هزینه را ببرد. خرید مقایسه‌ای به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

شامل بیان اینکه واقعاً برای رفع چه مشکل یا حل چه مسئله‌ای نیاز به خرید و مصرف دارید؛ مثلاً برخی افراد بدون دانستن عکاسی برای خرید دوربین حرفه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند. این خرید مناسبی برای آنها نیست بلکه برای این کار یک دوربین ساده نیز کافی است.	اول: تعریف مسئله
شامل مواردی که می‌تواند مشکل را رفع یا مسئله را حل کند.	دوم: فهرست گزینه‌ها
معیارهایی که عملاً برای افراد هنگام انتخاب مهم است؛ مثلاً در خرید یخچال جادار بودن، مصرف انرژی، سهولت تعمیرات و زیبایی ظاهری و نیز ایرانی بودن محصول برای خرید مهم است.	سوم: تعیین معیارها
شامل سنجش گزینه‌ها بر اساس معیارهای مختلف که اغلب بر اساس جدول زیر انجام می‌شود.	چهارم: ارزیابی
انتخاب گزینه نهایی	پنجم: تصمیم‌گیری

جدول خرید مقایسه‌ای

.....	معیار دوم	معیار اول	
			گزینه اول
			گزینه دوم
			گزینه سوم
			گزینه چهارم

^۱-comparative purchase

ما هم شناسنامه داریم!

بعضی از مردم گمان می کنند ما بی هویت و بی شناسنامه ایم. زادگاهمان معلوم نیست و اصلاً معلوم نیست از کجا آمده ایم چه ارزشی داریم. ما ممکن است مسافرت های زیادی انجام دهیم و حتی ممکن است مشابه ما در دنیا زیاد باشد؛ اما اینها به این معنی نیست که ما بی هویتیم. روزی می خواستیم از کسانی که هویت ما برایشان مهم نیست شکایت کنیم؛ اما نمی دانستیم کدام دادگاه به شکایت ما رسیدگی می کند. حالا به ما گفتند در کتاب اقتصاد دانش آموزان می توانید در حد چند جمله از دست کسانی که به هویت شما بی اعتنایی می کنند گله کنید. ما هم فرصت را مغتنم شمردیم و در اینجا در برابر دیدگان شما دانش آموزان عزیز از کسانی که به هویت ما در تصمیم گیری هایشان توجهی نمی کنند، گله می کنیم.

چی؟ ما چه کسانی هستیم؟ بله ... پرسش خوبی است. ما کالاها و محصولات هستیم که در ایران تولید می شویم. سرمایه گذاران متعهد ایرانی برای تولید ما سرمایه گذاری می کنند و کارگران و کارآفرینان پرتلاش و باهوش ایرانی ما را می سازند و روانه بازار می کنند. اما برخی از خریداران، هنگام خرید کالاها، به هویت و ملیت ما توجهی نمی کنند و مشابه خارجی ما را بر ما ترجیح می دهند! چرا آنها گمان می کنند مرغ همسایه غاز است؟ بعضی از مردم بدون آنکه حتی یک بار ما را تجربه کرده باشند ما را متهم می کنند که بی کیفیت! ما از شما دانش آموزان درخواست داریم به خانواده های خود یادآوری کنید که خرید کالای ایرانی، هم به نفع اقتصاد خانواده است و هم به نفع اقتصاد ملی است. هر کالای ایرانی که شما می خرید، به ادامه خرچۀ تولید آن کمک کرده اید و از بیکار شدن کارگران، دلسرد شدن کارآفرینان و رکود اقتصادی کشور جلوگیری می کنید.

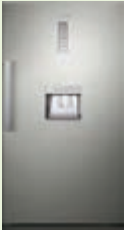
مر این را بر و بوم ایران بهاست بدین بر تو خواهی جهان کرد راست

فردوسی

فعالیت فردی در کلاس



فرض کنید که باید یک یخچال بخرید و دو گزینه هم پیش رو دارید. لطفاً جدول صفحه قبل را برای انتخاب درست پر کنید و بگویید به چه نتیجه ای رسیدید.

	۲۹۰ لیتر	گنجایش		۳۰۰ لیتر	گنجایش
	A	مصرف انرژی		B	مصرف انرژی
	۱۸۵ سانتی متر	ارتفاع		۱۸۰ سانتی متر	ارتفاع
	ندارد	برفک		ندارد	برفک
	کره	ساخت		ایران	ساخت

خرید مقایسه‌ای هم مانند هر کار دیگری مزایا و معایبی دارد.



برخی از مزایا و منافع آن عبارت‌اند از اینکه:



- شما می‌توانید بخشی از پول خود را پس‌انداز کنید؛ زیرا در صورت مقایسه درست معمولاً هزینه کمتری پرداخت می‌شود.
- با خرید مقایسه‌ای، ویژگی‌ها یا ارزش بیشتری را با همان مقدار پول دریافت می‌کنید.
- با خرید مقایسه‌ای محصولی با کیفیت و با عملکرد بهتر می‌خرید.
- با خرید مقایسه‌ای درباره گزینه‌هایی از آن کالا که قبلاً از آنها مطلع نبودید، آگاه می‌شوید.
- با خرید مقایسه‌ای، نسبت به خرج کردن پول خود احساس آرامش بیشتری می‌کنید.

خرید مقایسه‌ای با معایبی هم همراه است:



- خرید مقایسه‌ای زمان بر است این زمان را می‌توانستید برای کسب درآمد، انجام کارهای سرگرم‌کننده یا رسیدگی به خانواده صرف کنید.
- ممکن است خرید مقایسه‌ای هزینه‌بر باشد، مانند هزینه‌هایی که برای تماس تلفنی یا سوخت خودرو برای بازدید از فروشگاه‌های مختلف صرف می‌کنید.
- ممکن است پس‌انداز حاصل از خرید مقایسه‌ای، به ویژه برای اقلام با قیمت پایین، کمتر از هزینه‌های زمان، بنزین یا سایر هزینه‌های دیگر برای کسب اطلاعات باشد.

روش‌های فروش

فروشنده‌گان از روش‌ها و فنون مختلفی، همچون تبلیغات کاذب، بزرگ‌نمایی، قسم خوردن، ارائه اطلاعات نادرست و... برای تحریک و تشویق خریداران به خرید کالا و خدمات استفاده می‌کنند. آشنایی با این فنون می‌تواند به تصمیم‌گیری درست در خرید کمک کند. در قسمت «موقعیت» درس با برخی از این فنون آشنا شوید.

الگوی خرج کردن

تا به حال چقدر به الگوی خرج‌کردنتان فکر کرده‌اید؟ در درس سوم، با اصول انتخاب درست آشنا شدید. داشتن اصل و الگو در انتخاب‌های اقتصادی و از جمله در خرج کردن، یک ضرورت است. آیا اصلاً در زندگی الگویی برای خرج کردن دارید، یا همواره بوی ذرت بوداده، شما را به دنبال خودش می‌کشاند؟!

داشتن الگویی برای خرج کردن، علاوه بر آنکه نشان‌دهنده شخصیت منطقی و عقلانی شماست، به شما در برنامه‌ریزی اقتصادی نیز کمک می‌کند. معمولاً انسان‌هایی که از روی هوس تصمیم می‌گیرند و زندگی هوس‌بازانه‌ای دارند، نمی‌توانند به الگویی مشخص برای خرج کردن دست یابند و همواره در زندگی خود با مشکلاتی دست‌به‌گریبان‌اند. در این میان، قناعت‌داشتن و ساده‌زیستی به شما کمک می‌کند تا هم بخشی از درآمد خود را برای مصارف مهم‌تر پس‌انداز کنید و هم با آرامش روحی و روانی، انتخاب اقتصادی مناسبی را در زندگی تجربه کنید.

برخی اقتصاددانان و جامعه‌شناسان، از بیماری‌ای به نام مصرف‌گرایی و مخارج تجملی سخن می‌گویند. آنها معتقدند گروه زیادی از مردم آرامش و لذت را در خرج کردن و استفاده بیشتر از کالاها و حتی به رخ کشیدن آن می‌بینند. اما افرادی که چنین روحیه‌ای دارند، معمولاً در زندگی کمتر به آرامش می‌رسند. فراموش نکنید، همیشه کسی هست که بیشتر از شما دارد و بیشتر از شما از امکانات استفاده می‌کند. اگر بخواهید با او در میزان خرج کردن و مصرف کردن رقابت کنید، همواره در رنج نرسیدن باقی می‌مانید.

در حکایت‌های قدیمی آمده است که روزی شبلی به مسجد رفت تا نماز بخواند، در آن مسجد کودکان مشغول کتابت بودند. وقت نان خوردن آنها بود و با هم نان می‌خوردند. دو کودک، نزدیک شبلی نشسته بودند. یکی پسر ثروتمندی بود و دیگری فرزند فقیری. پسر ثروتمند مقداری حلوا داشت و پسر فقیر، مقداری نان خشک. پسر ثروتمند حلوا می‌خورد و پسر فقیر از او حلوا می‌خواست. پسر ثروتمند به پسر فقیر گفت: اگر حلوا می‌خواهی، باید سگ من باشی و او قبول کرد. پسر ثروتمند گفت: پس صدای سگ درآور! آن بیچاره، صدای سگ در آورد و او مقداری حلوا پیش پسر فقیر انداخت. این کار چند بار تکرار شد. شبلی به آنها نگاه می‌کرد و می‌گریست! مردان از او پرسیدند: برای چه گریانی؟ گفت: نگاه کنید که طمع چه بر سر مردم می‌آورد! اگر آن پسر فقیر به همان نان خشک قناعت می‌کرد و به حلوای آن پسر طمع نمی‌ورزید، هرگز سگ فردی همانند خود نمی‌شد. داشتن یک زندگی ساده و همراه با قناعت، روح انسان را آرام می‌کند و چشمه‌های شادی را در قلب ما می‌جوشاند. مولای ما امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که به دنبال آرامش است، قناعت ورزد. قناعت به معنای تلاش نکردن در راه توسعه اقتصادی زندگی نیست؛ بلکه به معنای ترک حرص و طمع و رضایت درونی از نعمت‌هایی است که خداوند در اختیارمان قرار داده است.



▲ عکاس: مهدی عقیقی



یک آدم چقدر زمین می خواهد؟

پاهوم یکی از این کشاورزانی بود که روی زمین خودش کار می کرد و زحمت می کشید. خاک مزرعه او خوب بود و سنگ و کلوخ زیادی نداشت. هر سال با شروع فصل باران سرتاسر مزرعه او سبز می شد. با این حال، وضع پاهوم هم مثل دهقان های دیگر بود. تمام شیر گاوهای او به مصرف خوراک خانواده اش می رسید. گاوها و گوسفندهایش هم تقریباً تمام محصول ذرت مزرعه اش را می خوردند. مزرعه پاهوم کوچک بود. او می دانست، اگر زمین بیشتری داشته باشد،

وضع زندگی اش بهتر می شود. به همین دلیل، می خواست زمین بیشتری به دست بیاورد ... داستان زیبای «یک آدم چقدر زمین می خواهد»، اثر تولستوی، نویسنده پرآوازه روس، را بخوانید و درباره آن در کلاس گفت و گو کنید.

یک - آدم - چقدر - زمین - می - خواهد <https://samanketab.roshdmag.ir/fa/article/21819/>

مصرف مسئولانه

براساس گزارش فائو - سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد - سالیانه حدود ۱/۳ میلیارد تن از مواد غذایی تولید شده برای مصرف انسان در جهان دور ریخته می شود. این مقدار، یک سوم کل محصول غلات جهان را شامل می شود. بعضی گزارش ها نشان از آن دارد که در ایران ائتلاف مواد غذایی بسیار فراتر از متوسط جهانی است. سالانه دهها هزار قلم کالا در حجم های متفاوت تولید می شود و به مصرف خانواده ها می رسد. با مشاهده رفتار مصرفی افراد جامعه و ملاحظه ویژگی، کیفیت و نوع کالاها، می توان گفت همه ساله بخشی از کالاهای تولید شده بدون بهره برداری صحیح تلف می شوند. اگر مفهوم ائتلاف را به معنای دور ریختن و هدر دادن منابع در نظر بگیریم، «اسراف» مفهومی عام تر از ائتلاف است. بلااستفاده گذاشتن اموال، مصرف بیجا، مصرف در معصیت و مصرف فراتر از سطح زندگی عمومی یا فراتر از توان مالی و یا عدم رعایت اولویت در به کارگیری سرمایه های شخصی و ملی، از جمله موارد اسراف است. فرض کنید در یک روز بارانی، باغچه خود را آبیاری می کنید و یا برای انجام محاسبات ساده، به جای ماشین حساب، یک دستگاه رایانه خریداری می کنید! همه اینها اسراف محسوب می شود.

اگر در معنای واژه مصرف دقیق شویم، درمی یابیم که مصرف، به معنای تغییر و تبدیل چیزی به چیز دیگر نیز به کار می رود. غذایی که مصرف می کنید، در بدن شما به انرژی تبدیل می شود و این انرژی در مرحله بعد به کاری تبدیل می شود و محصول کار شما در کالایی که مجدداً به مصرف فرد دیگری می رسد، ظاهر می شود.

در محیط زیست اطراف شما نیز، دائماً چنین تغییراتی در جریان است. منابع غذایی که یک درخت آن را مصرف می کند و به میوه های مفید تبدیل می کند، خود، محصول زنجیره ای از تغییراتی است که پیش از آن در طبیعت روی داده است. میوه های درخت نیز بعدها در جریان همین چرخه حیات قرار می گیرند. مصرف مسئولانه مصرفی است که اجازه می دهد، چرخه تبدیل ها و تغییرات طبیعی همواره ادامه پیدا کند و متوقف نشود.



یک مورد جالب برای مصرف صحیح و مسئولانه، استفاده از ظروفی است که به راحتی در طبیعت تجزیه می شوند و به چرخه تبدیل و تغییر پیوسته آسیبی نمی رسانند. در مقابل، ظروف پلاستیکی یا فلزی، سال ها در طبیعت می مانند و عملاً به چیز دیگری تبدیل نمی شوند و به محیط زیست آسیب می زنند. یکی از روش های مصرف مسئولانه، روش «عب» است: بهینه مصرف کردن، بازیافت، بازسازی، بازداشتن (از اسراف و زیاده روی)، باز تفکر (کالای دیگر)، باز مصرف (استفاده چندباره از کالا). نه گفتن به خرید چیزهایی که نیاز نداریم و یا مضرند، یافتن راه های بهتر، پردازش مجدد و تبدیل یک کالا به کالایی دیگر، کمتر مصرف کردن یا با انرژی کمتر ولی دستاورد بیشتر مصرف کردن، استفاده از چیزی بیش از یک بار، درست کردن چیزی که خراب و یا از کار افتاده است، همه از موارد روش عب به شمار می روند.

تحلیل کنید



با داشتن معیارهایی برای خرید هوشمندانه، چگونه می توانید برنامه خرید خود را با برنامه مخارج خود، انطباق دهید؟



موقعیت



تا اصلاح شرایط تورمی کشور، زمان زیادی طول خواهد کشید. این جمله‌ای است که خبرنگار بخش مجله خبری اخبار ساعت هفت گفته بود و ذهن امیرعلی را تا شب به خودش مشغول کرده بود.

مادر: آقا پسر، توی مدرسه اتفاقی افتاده که انقدر ذهنت درگیره؟

امیرعلی داشت فکر می کرد و اصلاً متوجه صدای مادر نشد!

مادر دستش را روی شانه پسرش گذاشت و مختصری تکان داد و گفت:

امیرعلی با شمام مامان! کجایی؟

امیرعلی: تکانی خورد گفت: هان؟ ببخشید! متوجه نشدم! گفتین چی کار کنم؟

ستایش از این حال امیرعلی خنده اش گرفت و گفت: فکر کنم فردا از مدرسه زنگ بزنی که بیاین

پسرتون رو ببرین. این جوری که آقا توی فکره، غلط نکنم به دسته گلی به آب داده اون سرش ناپیدا!

امیرعلی: چی می گی خواهر؟ دارم فکر می کنم؛ توام سریع همه چیزو پلیسی می کنیا!

مادر: خب حالا! شما بگو چه چیز مهمیه که انقدر ذهنتو مشغول کرده؟

امیرعلی: یه جمله توی اخبار گفت ذهنمو مشغول کرد.

ستایش: چی گفت؟

امیرعلی: گفت مشکل تورم حالا حالاها درست نمی شه؟

ستایش: اووووه فکر کردم می خوای بگی قراره زلزله بیاد!

امیرعلی: اون که خدا نکنه. داشتم فکر می کردم آخه مردم این همه زحمت می کشن و کار می کنن

که زندگیشون رو به سر و سامون برسونن؛ اما قیمت اجناس گرون تر می شه و نمی تونن کاری بکنن.

ستایش: خب به چه نتیجه ای رسیدی؟

امیرعلی: نمی دونم ولی اینو فهمیدم که توی این شرایط پول مثل یخ می مونه، آب می شه می ره؛

هرچقدر هم مدیریش کنی بازم فایده نداره.

مادر: اینا درست! ایده‌ای هم داری برای این موضوع؟
ستایش: من فکر کنم حذف پول بهترین راه حله. بریم سراغ یه چیزی که خودش ارزش خودشو نگه داره؛ مثل طلا.
امیرعلی: فکر خوبیه، ولی اگه همه برن سراغش چی؟ همون داستان سود شخصی و جمعی پیش می‌آد!
ستایش: راست می‌گی! خب تو بگو!
امیرعلی: والا نمی‌دونم؛ ولی فکر می‌کنم باید پول رو توی تولید نگه داشت. چطوری شو باید از بابا بپرسیم!

گفت‌وگو در کلاس



- ۱- شما برای از بین نرفتن پس‌انداز خودتان چه پیشنهادی دارید؟
- ۲- با توجه به آنچه تاکنون خوانده‌اید، چقدر ورود پول‌های پس‌انداز شده را در بازارهای مختلف مثل سکه، ارز، مسکن و خودرو توصیه می‌کنید؟ آیا این راه‌حل‌ها برای کل کشور مطلوب است؟

نقشهٔ راه

در این درس به این موضوع می‌پردازیم که راه‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلند مدت چیست. همچنین در پایان این درس نیز اندکی با فرایند بورس آشنا می‌شویم و خواهیم توانست:

- برای پس‌انداز خود، هدف و برنامهٔ مشخصی داشته باشیم.
- روش‌های گوناگون سرمایه‌گذاری را باهم مقایسه کنیم.

به فکر آینده باشیم

اگر شما از پنج سال قبل برای خرید دوچرخه‌ای به مبلغ دو میلیون تومان برنامه‌ریزی کرده باشید، آیا امروز می‌توانید با آن مبلغ دوچرخهٔ مورد نظرتان را بخرید؟!



پاسخ هم بله است و هم خیر! با اینکه شما امروز دو میلیون تومان در دست دارید، ولی ممکن است فروشنده دیگر حاضر نشود آن دوچرخه را به قیمت دو میلیون تومان به شما بدهد؛ زیرا اجناس و کالاها در طول زمان به دلیل وجود تورم گران‌تر می‌شوند. مردم برای گریز از تورم و عبور از آن، پول‌هایشان را زیر فرش یا بالش پس‌انداز نمی‌کنند! آنها وقتی تصمیم به پس‌انداز می‌گیرند، گزینه‌های مختلفی پیش رو دارند و باید آنها را با یکدیگر مقایسه کنند.

تعیین هدف و برنامه پس انداز



مردم برای موفقیت در پس انداز، باید اهدافشان را تعیین کنند تا بتوانند چیزهایی را که بیشتر نیاز دارند، در اولویت قرار دهند. کسانی که به اهداف خود پایبند می‌مانند، هم به آنچه خواسته‌اند می‌رسند و هم احساس موفقیت دارند.

بعضی از اهداف به سرعت قابل دستیابی‌اند؛ ولی بعضی از اهداف زمان طولانی‌تری نیاز دارند. معمولاً اهداف پس انداز را در دوره‌های کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت تعیین می‌کنند. اهدافی مانند پس انداز برای خریدن هدیه روز مادر هدفی کوتاه‌مدت است؛ زیرا با پس انداز چند ماهه حاصل می‌شود. اما اهدافی مانند خرید دوچرخه میان مدت است و گاهی به پس انداز بیش از یک سال نیازمند است.

زمان لازم برای رسیدن به اهداف بلندمدت، سه سال و یا بیشتر است.

زمان لازم برای رسیدن به اهداف میان مدت از ۲ ماه تا ۳ سال است.

زمان لازم برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت کمتر از ۲ ماه است.

وقتی که برای یک هدف پس انداز می‌کنید، بهترین گزینه بعدی که از دست می‌دهید یادآور مفهوم هزینه فرصت است.

پس انداز کردن برای آینده به معنی از دست دادن فرصت خرج کردن در زمان حال است.

پس انداز کردن برای آینده به معنی از دست دادن فرصت خرج کردن در زمان حال است؛ یعنی برای رسیدن به اهداف آینده، باید از بعضی خریدهایتان در زمان حال صرف نظر کنید. آن چیزهایی که شما رها می‌کنید و از آنها صرف نظر می‌کنید، هزینه فرصت این انتخاب شماست.

پس از تعیین هدف پس انداز، نوبت به برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن می‌شود. با توجه به زمانی که برای رسیدن به هدف تعیین شده و مقدار ممکن پس انداز می‌توان درباره میزان پس انداز در هر دوره تصمیم‌گیری کرد.

فعالیت ۱



نوشته‌های زیر را بخوانید و ببینید آیا این افراد می‌توانند به اهدافشان برسند؟ این اهداف کوتاه‌مدت (تا دو ماه برای دستیابی)، میان مدت (از دو ماه تا سه سال برای دستیابی)، یا بلندمدت (بیش از سه سال برای دستیابی) هستند. اگر هر کدام از آنها نتوانستند به اهدافشان برسند، چه پیشنهادی برای آنها دارید.

۱- امیر برای درس ریاضی پایه ششم تدریس خصوصی دارد و هفته‌ای ۳۶ هزار تومان درآمد کسب می‌کند. از سه سال گذشته، او یک دستبند در یک مغازه طلافروشی دیده است که دوست دارد برای تولد ۴۰ سالگی مادرش آن را بخرد. آن دستبند واقعاً زیبا است و قیمتش دو میلیون تومان است.

اگر امیر هفته‌ای ۱۵ هزار تومان برای خرید دوچرخه کنار بگذارد و هفته‌ای ۸ هزار تومان هم برای خودش خرج کند، چقدر طول می‌کشد تا او به میزان کافی برای دستبند پس‌انداز کند؟ آیا این هدف کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا بلندمدت است؟ دلیل را توضیح دهید. اگر او نتوانست طبق برنامه به میزان کافی پول پس‌انداز کند، راه‌هایی را که او می‌توانست به هدفش برسد، پیشنهاد دهید.



۲- لادن هر پنجشنبه از نگهداری بچه همسایه‌شان ۱۷ هزار تومان به‌دست می‌آورد. او همچنین هر هفته بابت کارهایی که در خانه به مادر کمک می‌کند، ۱۰ هزار تومان می‌گیرد. والدین او قانونی دارند که او باید نیمی از درآمدش را در حساب سپرده‌ای پس‌انداز کند تا در آینده بتواند با آن برای خود کسب و کاری راه بیندازد. ضمناً آنها نیز معادل همان مبلغ را در حساب سپرده واریز می‌کنند. لادن در تیم پینگ‌پونگ مدرسه بازی می‌کند. او هفته گذشته یک راکت عالی در مغازه‌ای دید که خیلی دوست دارد آن را بخرد تا بتواند بهتر بازی کند؛ اما قیمتش ۱۷۵ هزار تومان است. اگر



لادن به واریز مقرری‌اش در حساب سپرده ادامه دهد، چه مدت طول می‌کشد که او برای خرید راکت به اندازه کافی پول پس‌انداز کند؟ آیا این هدف کوتاه‌مدت خواهد بود یا میان‌مدت یا بلندمدت؟ اگر او براساس برنامه فعلی نتواند به‌اندازه کافی پول پس‌انداز کند، چه پیشنهادی برای او دارید؟

۳- دارا شنبه‌ها، دوشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها به‌صورت پاره‌وقت در محل کار پدرش کار می‌کند و ۷۵ هزار تومان در هفته به‌دست می‌آورد. او هر هفته ۲۰ هزار تومان در سپرده بانکی‌اش پس‌انداز می‌کند و هفته‌ای پنج هزار تومان هم به خیریه می‌دهد و هفته‌ای ۸ هزار تومان برای خرید خوراکی و سرگرمی خرج می‌کند. اخیراً دارا به والیبال علاقه‌مند شده است. کلاس والیبال در یک بوستان محلی ۳۰۰ هزار تومان هزینه دارد و از شش هفته آینده شروع می‌شود. آیا این یک



هدف کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا بلندمدت است؟ اگر دارا به خرج کردن و پس‌انداز کردن معمولش ادامه بدهد، آیا خواهد توانست پول کافی پس‌انداز کند تا بتواند در کلاس ثبت نام کند؟ توضیح دهید چرا؟ اگر نمی‌تواند، چه چیزی را نمی‌تواند تغییر بدهد؟

۱- سپرده گذاری در بانک

یک گزینه برای سرمایه گذاری پس اندازها، سپرده گذاری در بانک است. بانک‌ها دو نوع حساب سرمایه گذاری دارند که اندکی باهم متفاوت است. حساب‌های سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت و سپرده سرمایه گذاری بلندمدت. بانک‌ها با مبالغی که در هر دو نوع حساب سپرده جمع می‌شود، در طرح‌های سودآور اقتصادی از طرف سپرده گذاران شرکت می‌کنند و سهم آنها از سود را به اصل سپرده‌شان می‌افزایند.



تفاوت حساب‌های سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلندمدت در میزان سود پرداختی به آنها و برخی شرایط دیگر است. در سپرده‌های سرمایه گذاری کوتاه مدت واریز به حساب و برداشت از آن آزاد است و بانک در هر ماه به مانده موجودی حساب سود پرداخت می‌کند. اما در سپرده‌های سرمایه گذاری بلندمدت امکان برداشت از حساب تا پایان دوره سرمایه گذاری (یک ساله یا بیشتر) وجود ندارد و در صورت برداشت از حساب مقداری از سودی که بانک در ابتدا تعهد کرده است، می‌کاهد و به نوعی مشتری را جریمه می‌کند!



مزایای حساب‌های سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت	معایب حساب‌های سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت
پول به راحتی در دسترس است؛ مجبور نیستید پولتان را برای زمانی خاص در بانک قرار بدهید. می‌توانید پولتان را بدون هیچ جریمه‌ای برداشت کنید.	این حساب‌ها نرخ سود کمتری نسبت به حساب‌های دیگر پس انداز دارند.
نرخ سود این سپرده‌ها می‌تواند همزمان با افزایش نرخ سود عمومی بانک‌ها افزایش یابد.	نرخ سود این سپرده‌ها می‌تواند همزمان با کاهش نرخ سود عمومی بانک‌ها کاهش یابد.
می‌توان با مقدار خیلی کمی پول، این حساب‌ها را باز نمود.	
می‌توان از خدمات بانکداری الکترونیک استفاده کرد.	

در حساب‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت لازم است مقدار مشخصی پول برای مدت معینی در بانک سپرده شود. دوره زمانی این حساب‌ها از شش ماه تا چندین سال است و نرخ سود آنها در دوره زمانی معین شده تغییر نخواهد کرد. در این حساب‌ها هر چقدر زمان طولانی‌تری پول سپرده‌گذاری شود، سود بیشتری هم به آن تعلق می‌گیرد. فقط توجه کنید که اگر شما پول را قبل از زمان توافق یا سررسید برداشت کنید، مقداری از سود تعیین شده را از دست می‌دهید.

مزایای حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت	معایب حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت
این سپرده‌ها سود بالاتری دریافت می‌کنند.	پول به راحتی در دسترس نیست و باید تا پایان دوره مشخص شده آن را در حساب حفظ کرد. برداشت پول مشمول جریمه از دست رفتن بخشی از سود می‌شود!
نرخ سود این سپرده‌ها تا پایان دوره قرار داد تغییری نمی‌کند.	اگر نرخ سود عمومی افزایش یابد، سود این حساب‌ها در حد توافق شده باقی می‌ماند!
	معمولاً مقدار حداقلی باید در این حساب‌ها باشد تا مشمول بستن قرارداد و دریافت سود گردد.

برخی بانک‌ها به سپرده‌های پس‌انداز سودی نمی‌دهند؛ بلکه به ازای مدت زمان سپرده‌گذاری، برای مشتری امتیاز دریافت وام در نظر می‌گیرند. به‌طوری که مقدار وام و دوره بازپرداخت آن تابع مقدار سپرده و مدت زمان سپرده‌گذاری است؛ به این بانک‌ها، بانک‌های قرض الحسنه گفته می‌شود.

۲- خرید سهام

گزینه دیگر برای سرمایه‌گذاری، خرید سهام^۱ شرکت‌های مختلف است. خرید سهام نوعی شریک شدن در مالکیت یک شرکت است. برخی چیزها به تنهایی متعلق به ماست، مانند کفش و لوازم ورزشی، کیف و نوشت‌افزارهای ما که همگی متعلق به ماست و فقط خودمان در مورد آنها تصمیم می‌گیریم و البته ممکن است آنها را برای استفاده در اختیار دیگران قرار دهیم. برخی دیگر نیز به صورت مشترک متعلق به ما و دیگران است، مثلاً ممکن است در یک وسیله ورزشی مثل فوتبال دستی یا میز پینگ‌پنگ با دیگر اعضای خانواده شریک باشیم.



با خرید سهام در داشتن یک شرکت با دیگران شریک می شویم. در این صورت سود شرکت به نسبت سهممان به ما تعلق می گیرد و البته اگر شرکت متحمل ضرر هم بشود، در آن شریکیم! هنگامی که سهامی را می خریم یا می فروشیم، در واقع در بازار سرمایه فعالیت می کنیم. در بازار سرمایه، تولیدکننده مستقیماً سرمایه مورد نیاز خود را از مردم تهیه می کند. در واقع دسترسی به سرمایه راحت تر و کم هزینه تر است و همین امر سرمایه گذاری را آسان تر می کند. در صورتی که شرکت ها دارای مدیران لایق و توانمند باشند و مردم به عملکرد آنها اطمینان پیدا کنند، سرمایه های اندک خود را که به تنهایی نمی توانند کاری انجام دهند در اختیار آنها قرار می دهند؛ به این ترتیب هم مشکل کمبود سرمایه شرکت حل می شود و هم درآمد دیگری به مردم اضافه می شود و سطح تولید در کشور افزایش می یابد. همچنین می توان پس اندازهای بزرگ تر را برای میان مدت یا بلندمدت وارد این نوع سرمایه گذاری کرد. سود سرمایه گذاری در سهام معمولاً از سپرده گذاری بلندمدت در بانک هم بیشتر است؛ اما قطعی نیست. همچنین خرید و فروش سهام نیز ممکن است با محدودیت هایی مواجه باشد.



قیمت سهام چگونه تغییر می کند: سهام دو نوع قیمت دارد. قیمت اولیه و ثانویه. به قیمت اولیه که شرکت برای بار اول می فروشد، قیمت اسمی می گویند و قیمت ثانویه قیمت بازاری است که صاحب سهام در تالار بورس اوراق بهادار در معرض فروش قرار می دهد. قیمت اولیه در روی هر ورقه سهم توسط شرکت پذیرهنویسی مشخص می شود؛ اما قیمت بازاری آن به سوددهی آن شرکت بستگی دارد. اگر سود شرکتی دائماً افزایش یابد متقاضی و خریدار آن نوع سهام زیاد می شود و در نتیجه قیمت ثانویه دائماً افزایش می یابد. به عنوان مثال اگر شما سهامی به قیمت ۵۰۰ تومان بخرید و ببینید که دائماً در آخر هر شش ماه، به نرخ سود آن اضافه می شود، حاضرید آن را با همان قیمتی که خریدید بفروشید؟ به علاوه در نظر داشته باشید، دیگران نیز که متوجه بازده زیاد این شرکت سهامی شده اند، به خرید سهام آن روی می آورند و بنابراین تقاضا برای سهام این شرکت زیاد می شود و قیمت آن بالا می رود.

برای درک بهتر فرایند بورس، بازی زیر را انجام دهید. در این بازی شما یک سرمایه‌گذار در بورس هستید که باید به خرید سهام شرکت‌های مختلف اقدام کنید. با توجه به قدرت تحلیل خودتان نسبت به اخبار می‌توانید سود بیشتری از این بازی ببرید. هر بازیکن در ابتدا ۱۰۰ هزار تومان پول دارد که می‌تواند با آن به خرید و فروش اقدام کند. برای آنکه در حین بازی فراموش نکنید که چقدر پول و سرمایه دارید حتماً جدول زیر را پر کنید. برنده بازی کسی است که بیشترین سود را کسب کرده باشد.

[illegible]

فرض کنید دولت یا یکی از سازمان‌های رسمی و قانونی کشور قصد دارد یک فعالیت اقتصادی مشخص را اندازه‌گیری کند یا برای توسعه یک فعالیت اقتصادی مشخصی که تاکنون وجود داشته است، تأمین مالی کند. در این صورت یکی از راه‌های تأمین مالی، انتشار اوراقی است که به آن اوراق مشارکت^۲ می‌گویند. شما می‌توانید سرمایه‌ی پولی خود را به دولت یا آن سازمان بدهید تا در فعالیت آنها مشارکت کنید. در مقابل، دولت یا سازمان موردنظر، اوراق مشارکتی را متناسب با میزان سرمایه‌گذاری شما به شما ارائه می‌دهد. علاوه بر آنکه به این اوراق مالی، برحسب فعالیت اقتصادی مرتبط، سودی تعلق می‌گیرد، قابل خرید و فروش نیز هستند.

 γ -bonds

تفاوت‌های اوراق مشارکت و سهام: وقتی کسی سهام می‌خرد، دیگر نمی‌تواند هر وقت که خواست از مدیر کارخانه بخواهد که سرمایه او را پس دهد. چون آن مقدار اندک پول او به بخشی از ابزارآلات کارخانه تبدیل شده و سرمایه او قابل پس دادن نیست. اما هر وقت بخواهد به شراکت خود ادامه ندهد، می‌تواند برگه‌های سهام خود را به دیگری بفروشد و به پول مورد نیاز خود برسد. وقتی که اوراق مشارکت می‌خریم، پس از انقضای مدت سررسید آن، علاوه بر اصل پول (سرمایه)، سود آن را هم می‌گیریم.



۴- خرید طلا

برخی افراد برای حفظ ارزش پول خود آن را به دارایی‌هایی که معمولاً ارزش خود را در تورم حفظ می‌کنند، مانند طلا، تبدیل می‌کنند. طلا برخلاف سهام در هر زمان قابل فروش است. خرید طلا برخلاف سهام‌داری با دریافت سود سالیانه منظم همراه نیست و تنها از محل تفاوت قیمت خرید و فروش می‌تواند برای خریدارش سود داشته باشد. یعنی اگر قیمت طلا در طول زمان ثابت باشد و قیمت خرید با قیمت فروش یکی باشد در عمل چیزی عاید خریدارش نمی‌شود. در حالی که سهام‌داری حتی اگر قیمت ورقه سهام هم تغییر نکند با دریافت سود شرکت در هر سال همراه است و از این محل دارندگان اوراق سهام نفع می‌برند. مشکل دیگر خرید طلا، برای اقتصاد کشور است. در این صورت پول‌هایی که می‌توانست صرف سرمایه‌گذاری‌های مولد در اقتصاد شود، در چیزی مثل طلا منجمد می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های مولد سرمایه‌گذاری‌هایی‌اند که به ظرفیت تولیدی کشور با ایجاد کارخانجات و شرکت‌های جدید یا توسعه ظرفیت آنها کمک می‌کنند.



فعالیت فردی در کلاس



در هر یک از موقعیت‌های زیر بهترین راه سرمایه‌گذاری پس‌انداز را پیشنهاد دهید:

۱- صابر ۱۰۰ هزار تومان پول دارد و می‌خواهد هر موقع که خواست بتواند بدون جریمه پولش را دریافت کند.

۲- احمد ۱۵ ساله است و می‌خواهد دو میلیون تومان را که در طول سال جمع کرده است، برای سال‌های بعد پس‌انداز کند.

۳- زینب دوست دارد یک دوچرخه بخرد، اما لازم است برای آنکه پولش جمع شود لااقل دو سال پول هایش را پس‌انداز کند، اما اقتصاد درگیر تورم بالایی است.

۴- عارفه یک میلیون تومان دارد که برای مدتی به آن نیاز ندارد. او اعتقاد دارد نرخ سود در سال آینده کاهش می‌یابد.

۵- ناصر دو میلیون تومان پس‌انداز دارد. او تا پنج سال دیگر به پولش نیاز دارد اما می‌خواهد بیشترین سود ممکن را ببرد.

بیمه و پوشش خطریذری سرمایه‌گذاری

هر سرمایه‌گذاری یا راه‌اندازی هر نوع کسب‌وکاری همواره در معرض تهدیدها و حوادث پیش‌بینی نشده است. فرض کنید در یک شرکت بزرگ خرید و فروش پارچه سرمایه‌گذاری کرده‌اید. ناگهان انبار این شرکت بزرگ دچار آتش‌سوزی شود؛ چه بر سر سرمایه شما خواهد آمد؟ چه کسی مسئولیت جبران آن را می‌پذیرد؟ در بسیاری از کشورهای جهان، نظام‌های بیمه^۱ به‌منظور جبران پیامدهای ناشی از حوادث و وقایع پیش‌بینی نشده به وجود آمده‌اند. نظام‌های بیمه در کشورهای مختلف اغلب به نظام بیمه‌های اجتماعی، نظام بیمه تعاونی و نظام بیمه بازرگانی تقسیم‌بندی می‌شوند و معمولاً این سه نظام در کنار یکدیگر به ارتقای رفاه افراد و جامعه، حمایت از کسب و کارها در برابر حوادث غیرمترقبه و وضعیت‌های ناخوشایند و تثبیت نظام اقتصادی کمک می‌کنند.

۱- insurance system

بیمه قراردادی است بین دو شخص که براساس آن یک طرف تحت عنوان بیمه‌گذار یا بیمه‌شده به طرف دیگر که بیمه‌گر (شرکت بیمه) نامیده می‌شود، حق بیمه پرداخت می‌کند و به ازای حق بیمه پرداخت شده، بیمه‌گر باید در صورت وقوع خطری که در قرارداد بیمه نوشته شده، خسارت بیمه‌گذار یا بیمه‌شده را پرداخت کند. بیمه نگرانی ناشی از خطر وقوع حادثه را از زندگی مردم و فعالیت‌های اقتصادی دور می‌کند و به بیمه‌گذاران آرامش خاطر می‌دهد.

خطرپذیری پایه و اساس نیاز به تهیه بیمه است. خطرپذیری عبارت است از شانس وقوع یک خطر یا یک حادثه بد. خطر یا حادثه بد، به وضعیتی گفته می‌شود که شرایط ایجاد خسارت به اشخاص یا اموال را فراهم می‌آورد، مانند وقوع زلزله، سیل یا آتش‌سوزی، بیکار شدن و یا فوت سرپرست خانوار. بیمه روشی است برای انتقال خطرپذیری که در آن بیمه‌گذار یا بیمه‌شده، نگرانی ناشی از احتمال وقوع یک زیان بزرگ را با پرداخت حق بیمه معامله می‌کند. بیمه‌گر (شرکت بیمه) نیز با گردآوری حق بیمه‌ها، امکان جبران زیان هر بیمه‌گذار یا بیمه‌شده را فراهم می‌نماید.

فعالیت فردی خارج از کلاس



نظام بیمه در کشورهای مختلف، انواع گوناگونی دارد. نظام‌های بیمه اجتماعی شامل سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بیمه سلامت است. همچنین نظام بیمه اجتماعی شامل بیمه‌های بازرگانی، بیمه خودرو، بیمه منازل مسکونی، بیمه فعالیت‌های اقتصادی، بیمه‌های درمان و زندگی، بیمه حوادث و بیمه اتکایی است. همچنین نظام بیمه تعاونی شامل بیمه‌های متقابل و تکافل است. در مورد قوانین و شرایط یک یا چند مورد از این بیمه‌ها، تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

برای تحقیق می‌توانید به سایت بیمه مرکزی ایران www.centinsur.ir مراجعه کنید.

تحلیل کنید



چگونه می‌توان با تعیین هدف و برنامه‌پس‌انداز، بهترین روش را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کرد؟

واژه‌نامه^۱



درس ۱
اقتصاد economics : پژوهش و مطالعه پیرامون مسئله انتخاب در شرایط کمیابی.
کارآفرینی entrepreneurship : تمایل افراد به سازماندهی، فعالیت و پذیرش ریسک مرتبط با مخاطرات کسب و کارها.
درس ۲
شرکت company; corporation : کسب و کاری که دارای هویت قانونی است.
شرکت سهامی joint-stock company; corporation : شرکتی که سرمایه آن به شکل سهام تقسیم شده است.
تعاونی (شرکت تعاونی) cooperation : کسب و کار مشارکتی برای تأمین منافع مشترک براساس قاعده هر نفر، یک رأی.
مؤسسه غیرانتفاعی (شرکت غیرانتفاعی) non-benefit organization : نهادی قانونی که برای انجام اهدافی اجتماعی، عمومی و انسانی (غیرتجاری) شکل می‌گیرد.
درس ۳
هزینه فرصت opportunity cost : ارزش بهترین جایگزین بعدی که هنگام انتخاب، از دست می‌رود.
کمیابی scarcity : شکاف میان منابع محدود در قبال خواسته‌های نامحدود.
منابع resources : مؤلفه‌های اساسی که از آنها همه کالاها و خدمات تولید می‌شود.
منابع طبیعی (زمین): natural resources (land) : هرچیزی که از طبیعت برگرفته شود و برای تولید کالاها و خدمات مورد استفاده قرار گیرد.
سرمایه capital : هر چیز با دوام که توسط انسان برای استفاده در تولید ایجاد می‌شود.
سرمایه فیزیکی physical capital : هر کالایی با دوامی که برای ایجاد کالاها و خدمات دیگر استفاده می‌شود.
سرمایه انسانی human capital : مهارت و دانش نیروی کار.
هزینه هدررفته sunk cost : هزینه‌ای که پرداخت شده است و دیگر امکان بازگشت آن وجود ندارد.

۱- طرح هر نوع سوآلی از این قسمت، ممنوع است.

درس ۴
الگو model: نمایش ساده شده واقعیت.
الگوی مرز امکانات تولید (PPF) production possibilities frontier : منحنی‌ای که نشان دهنده حداکثر مقدار کالایی است که می‌تواند در ازای مقدار ممکن از دیگر کالاها تولید شده، تولید شود.
کارا efficient : هنگامی که هیچ امکانی وجود نداشته باشد برای اینکه وضعیت برخی بهتر شود، بدون اینکه وضع حداقل یک نفر بدتر شود.
درس ۵
خانوار household : یک فرد یا گروهی از افراد که باهم زندگی می‌کنند و درآمدها را به اشتراک می‌گذارند.
بنگاه firm : سازمانی دارای مالکیت خصوصی که کالاها و خدماتی را تولید کرده و آنها را به دیگران می‌فروشد.
بازار market : مجموعه‌ای از فروشندگان و خریداران در هرجایی که ممکن باشد.
تغییر در تقاضا change in demand : انتقال (شیفت) منحنی تقاضا
تغییر در عرضه change in supply : انتقال (شیفت) منحنی عرضه.
تغییر در مقدار تقاضا change in the quantity demanded : حرکت در طول منحنی تقاضا که به علت تغییری در قیمت روی می‌دهد.
تغییر در مقدار عرضه change in the quantity supplied : حرکت در طول منحنی عرضه که به علت تغییری در قیمت روی می‌دهد.
تعادل (عرضه و تقاضا) equilibrium : نقطه‌ای که در آن مقدار عرضه با مقدار تقاضا برابر است.
قیمت تعادلی equilibrium price : قیمتی که در آن مقدار عرضه با مقدار تقاضا برابر است.
مقدار تعادلی equilibrium quantity : مقداری که در قیمت تعادلی عرضه و تقاضا می‌شود.
بازار عوامل تولید factor market : جایی که منابع تولید در برابر پول مبادله می‌شوند.
کالای معمولی normal good : کالایی که تقاضا برای آن با افزایش درآمد افزایش و با کاهش درآمد کاهش می‌یابد.
کالای پست Inferior good : کالایی که تقاضا برای آن با افزایش درآمد، کاهش و با کاهش درآمد افزایش می‌یابد.
کالاهای مکمل Complements : دو کالا که اگر قیمت یکی از آنها افزایش یابد، موجب کاهش در تقاضای کالای دیگر می‌شود.
کالاهای جانشین Substitutes : دو کالا که اگر قیمت یکی از آنها افزایش یابد، موجب افزایش در تقاضای کالای دیگر می‌شود.
درس ۶
کالای عمومی public good : کالایی یا خدماتی است که می‌تواند به طور هم زمان توسط افراد زیادی مصرف شود و نمی‌توان از استفاده افراد دیگر جلوگیری کرد.
مالیات tax : پرداخت‌های لازم به دولت.

درس ۷
مزیت نسبی comparative advantage: توانایی تولید کالا با هزینه فرصت پایین تر نسبت به شریک تجاری.
مزیت مطلق absolute advantage: توانایی تولید بیشتر کالا نسبت به شریک تجاری با مقدار معینی از منابع.
تحریم اقتصادی economic sanction: ایجاد موانع و محدودیت در روابط عادی تجاری و مالی یک کشور با سایر کشورها.
تجارت آزاد free trade: تجارت کالاها و خدمات بین شرکای تجاری بدون اعمال محدودیت‌ها یا تغییرات حکومتی.
درس ۸
بیکاری ساختاری structural unemployment: عدم تطابق بین جویندگان کار و انواع مشاغل موجود.
نیروی کار labor force: ترکیب کارگران استخدام‌شده و کارگران غیراستخدامی به استثنای آنهایی که در مراکز نظامی و زندان‌ها هستند.
رکود recession: انقباضی به اندازه کافی شدید که بتواند چندین ماه یا بیشتر طول بکشد و تأثیرات گسترده‌ای بر تولید، درآمد واقعی، اشتغال و فروش در کل اقتصاد داشته باشد.
درس ۹
تورم inflation: افزایشی در سطح قیمت.
نرخ تورم inflation rate: درصد (سالانه) افزایش در سطح قیمت.
شاخص قیمت مصرف‌کننده CPI (consumer price index): اندازه‌گیری سطح عمومی قیمت که یک مصرف‌کننده نوعی با آن روبه‌رو است.
پول money: هر چیزی که به‌طور گسترده‌ای در مبادلات کالاها و خدمات پذیرفته شده باشد.
درس ۱۰
تاب‌آوری اقتصادی economic resilience: توانایی اقتصادی یک کشور برای مقاومت در برابر شوک‌های اقتصادی و بازیابی سریع به سطح قبلی رشد یا شرایط بهتر.
اقتصاد مقاوم resistive economy: تقویت و استحکام ساختار اقتصادی به‌طوری که تحریم‌های اقتصادی بر آن بی‌اثر یا کم‌اثر شود.
درس ۱۱
رشد اقتصادی economic growth: افزایش توانایی تولید کالاها و خدمات در طول زمان.
تولید ناخالص داخلی GDP (gross domestic product): کل ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی که در داخل مرزهای یک کشور در طول سالی معین تولید شده است.
تولید ناخالص ملی gross national product / درآمد ناخالص ملی gross national income: کل ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی که توسط مردم یک کشور (چه داخل مرزهای کشور، چه خارج آن) در طول سالی معین تولید شده است.
تولید ناخالص داخلی واقعی real GDP: اندازه‌گیری کل تولیدات به واحد پولی (تومان) بعد از حذف اثر انحرافات ناشی از تغییرات قیمت.

درس‌های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴

بودجه budget: طرح (الگوی) مشخصی برای چگونگی خرج کردن پول.
سرمایه‌گذاری investment: به‌کارگیری سرمایه با هدف کسب عایدی در آینده.
سپرده دیداری (حساب جاری) demand deposit: وجوه مشتری در حسابی نزد بانک که در هر لحظه بنابر تقاضای مشتری، قابل برداشت است و به آن سودی تعلق نمی‌گیرد.
سپرده مدت دار (حساب سرمایه‌گذاری) term deposit: وجوه مشتری در حسابی نزد بانک که برای مدتی معین باقی می‌ماند و دارای سود و تاریخ سررسید است. سود این حساب معمولاً از سرمایه‌گذاری بانک در فعالیت‌های اقتصادی به دست می‌آید.
سهام stock: نشان دهنده قسمتی از مالکیت یک شرکت.
اوراق مشارکت: اوراق پیمادار با نام یا بی‌نامی است که به موجب قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت با مجوز قانون خاص یا مجوز بانک مرکزی، برای تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز جهت ایجاد، تکمیل و توسعه طرح‌های سودآور تولیدی، ساختمانی و خدماتی شامل منابع مالی لازم برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی توسط دولت، شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات عام‌المنفعه و شرکت‌های وابسته به دستگاه‌های مذکور، شرکت‌های سهامی عام و خاص و شرکت‌های تعاونی منتشر می‌شود و به سرمایه‌گذارانی که قصد مشارکت در اجرای طرح‌های یاد شده را دارند از طریق عرضه عمومی واگذار می‌گردد.
بیمه insurance: گونه‌ای از مدیریت ریسک برای حفاظت از اموال و دارایی‌ها در برابر مخاطرات احتمالی.



- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ دارالکتاب الاسلامی ۱۴۱۰ هـ. ق
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم؛ رساله نوین (احکام و موضوعات اقتصادی)؛ دفتر فرهنگ اسلامی ۱۳۹۴
- پیغامی، عادل؛ درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۹۳
- پیغامی، عادل؛ طغیانی، مهدی؛ تعلیم و تربیت اقتصادی (جلد اول و دوم)؛ انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۹۵
- پیغامی، عادل؛ مرادی باصری، امین؛ سواد مالی (الگوی برای مالی شخصی و خانوادگی)؛ انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۹۵
- جواهر لعل نهرو؛ نگاهی به تاریخ جهان؛ ترجمه محمود تفضلی؛ امیرکبیر ۱۳۵۱
- رحماندوست، مصطفی؛ پدرامی، متین؛ کشاورزی آزاد، مرجان؛ رضایی، آذر؛ فوت کوزه‌گری (مثل‌های فارسی و داستان‌های آن)؛ انتشارات مدرسه ۱۳۹۴
- رزاقی، ابراهیم؛ اقتصاد ایران زمین؛ نشر نی ۱۳۹۲
- ژید، شارل؛ ریست، شارل؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ترجمه کریم سنجابی؛ دانشگاه تهران ۱۳۹۵
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی؛ اقتصاد (پایه دهم دوره متوسطه)؛ شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران ۱۳۹۷
- سالواتوره، دومینیک؛ اقتصاد بین‌الملل (جلد اول)؛ تجارت بین‌الملل؛ ترجمه حمیدرضا ارباب؛ نشر نی ۱۳۸۸
- شریف‌زاده، محمدجواد؛ حقوق و اقتصاد در اسلام (مقدمه‌ای بر تحلیل اقتصادی نهادهای حقوقی اسلامی با تأکید بر تاریخ صدر اسلام)؛ انتشارات دانشگاه امام صادق ۱۳۹۱
- طغیانی، مهدی و همکاران؛ اقتصاد تحریم، نشر نیلوفران ۱۳۹۳
- عیسوی، چارلز؛ تاریخ اقتصادی ایران؛ ترجمه یعقوب آژند؛ نشر گستره ۱۳۶۲
- سعدی، شیخ مصلح الدین؛ گلستان سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، ققنوس ۱۳۹۸

- صدر، سید محمدباقر؛ اقتصادنا؛ بوستان کتاب ۱۳۸۷
- فارابی، ابونصر؛ سیاست مدنیّه؛ ترجمه جعفر سجادی؛ انجمن فلسفه ایران ۱۳۵۸
- قانون تجارت، مصوب سال ۱۳۱۱
- مجد، محمدقلی؛ قحطی بزرگ (نسل کشی ایرانیان در جنگ جهانی اول)؛ ترجمه محمدکریمی؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ۱۳۹۴
- منکیو، گریگوری؛ مبانی علم اقتصاد؛ ترجمه حمیدرضا ارباب؛ نشر نی ۱۳۸۷
- منکیو، گریگوری؛ نظریه اقتصاد کلان؛ ترجمه حمیدرضا ارباب؛ نشر نی ۱۳۹۳
- نمازی، حسین؛ نظام‌های اقتصادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۴
- سایت بانک مرکزی به نشانی cbi.ir
- سایت ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی به نشانی samanketab.roshdmag.ir
- سایت مرکز آمار ایران به نشانی amar.org.ir

Krueger, Alan B.; Anderson, David A.; Explorations in economics; BFW/worth publisher; New York 2014

world bank; Human development report 2019





دبیران محترم و صاحب نظران می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی nazar.roshd.ir یا نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴-۱۵۸۷۵ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

